

## بررسی رابطه هوش اخلاقی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر پایه نهم شهر محمدآباد

علی مرادی<sup>۱</sup>، شهناز کیخا<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد زابل، سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup>کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، سیستان و بلوچستان، ایران

### چکیده

تحولات گذار نوجوانی، قرار گرفتن در آستانه بلوغ و وارد شدن و قرار گرفتن در آستانه ورود به فصل جدید از زندگی، با این تغییرات، می تواند زمینه ساز پرخاشگری یا سازگاری دانش آموزان باشد، که خود ممکن است از دیگر شاخصه های روانشناختی مانند هوش غیرشناختی آنان تأثیر پذیرد. از اینرو هدف از تحقیق پیش رو؛ بررسی رابطه بین هوش اخلاقی با سازگاری فردی / اجتماعی بود. جامعه آماری را دانش آموزان دختر پایه دهم تشکیل داد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۳۳ نفر از آنان با نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. داده های میدانی به وسیله پرسشنامه های هوش اخلاقی لیک، کیل و جوردن، پرسشنامه بومی شده ی سازگاری مونت، جمع آوری، و به وسیله نرم افزار SPSS۲۶ توصیف و تحلیل شد. نتایج رگرسیون همزمان نشان داد؛ هوش اخلاقی توان پیش بینی سازگاری فردی / اجتماعی را در مجموع دارند براساس نتایج به دست آمده، اهمیت قائل شدن به هوش اخلاقی همانند هوش عمومی و در نظر گرفتن این مقوله در برنامه های درسی، آموزش و تدریس معلمان، تألیف کتب درسی برای مسئولین و توجه به متغیرهای دیگر اثرگذار بر سازگاری مقایسه آن با نتایج تحقیق حاضر و مشابه آن به محققان آینده توصیه گردید.

**واژه های کلیدی:** هوش اخلاقی، سازگاری، پایه دهم، دانش آموزان

## مقدمه

هوش یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های فردی در بین افراد جامعه است و این امر از سال‌ها پیش مورد توجه آدمی بوده است. هر چند که این مطالعات بیشتر بر جنبه شناختی هوش، همانند حافظه، حل مسئله و تفکر تأکید داشته‌اند اما امروزه محققان بر جنبه‌های غیر شناختی هوش همچون هیجان، اجتماعی و معنویت توجه بیشتری دارند. به عبارتی این جنبه‌ها می‌توانند موفقیت افراد را در زندگی پیش‌بینی کنند (هینه، ۲۰۰۷؛ به نقل از موسوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

اخیراً در حوزه هوش ابعاد جدیدی شناخته شده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد هوش که در حوزه پژوهش جدید بوده و در ایران نیز چندان بدان پرداخته نشده است، هوش اخلاقی است. در حقیقت اخلاق و آموزش اخلاقی به یکی از موضوعات عام در زمینه روانشناسی تبدیل شده است. امروزه هوش اخلاقی به واسطه تأثیرات وسیعش بر سایر حیطه‌ها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. گزارشات رسانه‌ای از مشکلات اخلاقی در نوجوانان و خودکشی‌ها سبب آن شده است تا بحران اخلاقی در جوامع بیشتر نمایان شود. در نتیجه گرایش روزافزونی نسبت به مرتبط ساختن مشکلات اجتماعی به آموزش اخلاق و ارزش‌های اجتماعی دینی در محیط‌های آموزشی وجود دارد. هوش اخلاقی برای اولین بار توسط بوربا (۲۰۰۵) در رشته روانشناسی وارد شد. بوربا هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند. آموزش نگرش اخلاقی در روند زندگی، باعث کاهش تعارضات (صلاحیان، صادقی و بهرامی و شریفی، ۱۳۸۹)، افزایش پیوندهای اجتماعی، افزایش مهارت‌های ارتباطی (اسکندری و همکاران، ۱۳۹۱)، تسهیل و بهبود روابط می‌شود (جانسون، ۱۹۹۵)، افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری در افراد و در نتیجه بهبود کارایی فردی و گروهی (فلیتی و همکاران، ۲۰۱۳؛ گل محمدیان، بهروزی و یاسمی نژاد، ۱۳۹۴؛ براون، ۲۰۱۳؛ نریمانی و غفاری، ۱۳۹۴). و بر افزایش سازگاری زناشویی موثر است (فرحبخش و اسمعیلی، ۱۳۹۲؛ گل محمدیان، فرحبخش و انصاری، ۱۳۹۲). در حقیقت هوش اخلاقی به مثابه یک راهنما برای رفتار عمل می‌کند و کمک می‌کند تا ما اعمال هوشمندانه و بهینه‌ای داشته باشیم (کریمی، ۱۳۸۹).

بوربا (۲۰۰۵: ۲۳)، هوش اخلاقی را به معنی ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار در جهت صحیح و درست، تعریف کرده است (نقل از اسکندری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

لینک وکیل (۲۰۱۱)، بر این باورند که هوش اخلاقی در برگزیده چهار بعد اصلی شامل درست‌کاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش، دلسوزی و ده زیرمجموعه (شایستگی) یا مؤلفه‌های شایستگی شامل انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، انجام تعهدات فردی، مسئولیت‌پذیری (پاسخگویی) در برابر تصمیم‌های شخصی، خودکنترلی و خود محدودسازی، کمک به دیگران (قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، مراقبت از دیگران (مهربانی)، درک احساسات دیگران (بشر دوستی و رفتار شهروندی) و درک نیازهای روحی خود (ایمان، اعتقاد و تواضع) می‌باشد (نقل از مکسول، ۱۳۹۵: ۱۲).

هوش اخلاقی اعتقاد عمیق فرد و ارزش‌های او است که تمامی افکار و فعالیت‌ها را هدایت می‌کند و فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی مشروط به عوامل جمعیت شناختی چون جنسیت، نژاد، ملیت یا فعالیت مذهبی نیست (فورد و ریچاردسون، ۱۹۹۴؛ مارتین، راو و اسلون، ۲۰۰۸، به نقل از مختاری پور، ۱۳۸۸).

هوش اخلاقی مبحثی جدید است و کمتر از هوش‌های استقرار یافته شناختی، عاطفی و اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است؛ اما پتانسیل زیادی برای بهبود فهم ما از یادگیری و رفتار را دارد. هوش اخلاقی به توانایی کاربرد اصول اخلاقی در اهداف، ارزش‌ها و اعمال فردی اشاره دارد و شامل چهار بعد اصلی درستی، مسئولیت‌پذیری، بخشش و شفقت می‌باشد. (بهشتی فر و دیگران، ۲۰۱۱) با

توجه به اهمیت هوش اخلاقی و تاثیر آن بر تحمل پریشانی، فهم عوامل اثرگذار بر آن بسیار حائز اهمیت می باشد. تحقیقات نشان می دهند که والدین نقش مهمی در پرورش اخلاق در فرزندان شان ایفا می کنند، زیرا اخلاقیات آموختنی است. یکی از مطمئن ترین راه های پرورش اخلاقیات در فرزندان، برقراری یک رابطه صمیمانه و سرشار از عشق با آنهاست (گلیشادی و یزدخواست، ۱۳۹۵).

در نظر گرفتن اصول اخلاقی نتایج مهمی از جمله توان تشخیص درد و رنج دیگران، توان مهار بی رحمی و وسوسه ها در خود، به تأخیر انداختن کام جویی، گوش کردن بی طرفانه و همه جانبه پیش از قضاوت کردن، پذیرش تفاوتها و پی بردن به ارزش های گوناگون، نپذیرفتن گزینه های غیر اخلاقی، همدل بودن، مبارزه با بی عدالتی، درک دیگران و رفتار محرمانه با آنها را بدنبال دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲). هوش اخلاقی همانند قطب نما می باشد که عملکرد افراد را کنترل می کند (محمدی، لطفعلی و غفاری، ۱۳۹۵).

هوش اخلاقی بر این نکته تاکید دارد که اصول اخلاقی حاصل وراثت نیست بلکه افراد یاد می گیرند که چگونه خوب باشند، و به مثابه یک راهنما برای رفتار و اعمال انسان عمل نموده و او را یاری می کند که اعمال هوشمندانه و بهینه ای داشته باشد (بالین، ۱۰۱۲). هوش اخلاقی باعث شکل گیری کارهای تیمی قوی و افزایش بهره وری شده (بگلی و همکاران، ۲۰۰۷) و مانع انجام اعمال مجرمانه می شود (ویمالاسیری، ۲۰۰۱) و دستورالعمل های اخلاقی را وارد تصمیم گیری ها کرده (لوی و همکاران، ۲۰۰۴) و نیز برنامه ای برای ارزیابی نیازهای اخلاقی تدوین می کند (یوسفی و حشمتی، ۱۳۹۴)، هوش اخلاقی و تصویر مثبت را در ذهن انسان شکل می دهد و به وجود آمدن شناخت و حساسیت نسبت به مسائل اخلاقی کمک می کند و باعث سازمان دهی رفتارها در رویارویی با بحران ها می گردد (یوسفی و حشمتی، ۱۳۹۴). در حقیقت اخلاق و آموزش اخلاقی به یکی از موضوعات عام در زمینه روانشناسی تبدیل شده است. امروزه هوش اخلاقی به واسطه تأثیرات وسیعش بر سایر حیطه ها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

گزارشات رسانه ای از مشکلات اخلاقی در نوجوانان و خودکشی ها سبب آن شده است تا بحران اخلاقی در جوامع بیشتر نمایان شود. در نتیجه گرایش روزافزونی نسبت به مرتبط ساختن مشکلات اجتماعی به آموزش اخلاق و ارزش های اجتماعی دینی در محیط های آموزشی وجود دارد. هوش اخلاقی برای اولین بار توسط بوربا (۲۰۰۵) در رشته روانشناسی وارد شد. بوربا هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن ها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می کند. بسیاری از رفتارهای انسان ریشه در اصول و ارزش های اخلاقی دارد و از آن متأثر می شود، افراد با هوش اخلاقی همیشه کارهایشان را با اصول اخلاقی پیوند می زنند که این خود باعث افزایش تعهد و مسئولیت پذیری در افراد و در نتیجه بهبود کارایی فردی و گروهی می شود (فلیتی و همکاران، ۲۰۱۳؛ گل محمدیان، بهروزی و یاسمی نژاد، ۱۳۹۴).

«رشد اخلاقی دربرگیرنده آن دسته از اصول اجتماعی است که تعیین می کند انسان ها در رابطه با دیگر مردم چگونه باید رفتار کنند». از نظر روانشناسان این قوانین مشتمل بر سه جنبه اساسی شناختی، عاطفی و رفتاری است که تبیین آن ها و چگونگی روابط شان با یکدیگر و تأثیری که در فرایند درونی سازی دارند، محور بحث های روانشناختی است. این تعریف با این که تا اندازه ای ماهیت رشد اخلاقی را روشن می کند، ویژگی های مشخص کننده و امتیازبخش آن را در میان بخش های دیگر چندان روشن نمی کند. در بسیاری از جوامع، یکی از مهم ترین وظایف فرهنگی، آشناسازی کودک با قوانین اخلاقی و کردار خوب و بد است. همه کم و بیش از کودکان انتظار دارند که این قوانین را فرا بگیرند و بکار بندند؛ از رعایت آن ها خرسند شوند و هنگام سرپیچی از آن ها در خود احساس گناه کنند. یکی از ابعاد رشد و تحول که از دوران کودکی تا سال های بزرگسالی، در کنار دیگر ابعاد رشد شکل می گیرد، رشد اخلاقی کودکان است. وقتی مردم درباره رشد اخلاقی صحبت می کنند، آن ها به رفتار و نگرش خودشان نسبت به سایر مردم در جامعه اشاره دارند، به عبارتی آن ها به پیروی ما از هنجارهای اجتماعی، مقررات و قوانین، عرف و آداب و رسوم توجه می کنند. سقراط عنوان می کرد که انسان ها فقط کافی است بدانند چه چیزی خوب است و چه چیزی بد است. چه چیزی درست است و چه

چیزی نادرست است، چه چیزی فضیلت است و چه چیزی رذیلت است. همین که بدانند به مقتضای دانسته‌های خود حتماً عمل می‌کنند(گل محمدیان، بهروزی و یاسمی نژاد، ۱۳۹۴).

در دین اسلام، اخلاق تا آن حد ارزشمند است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هدف از بعثت خود را « اتمام مکارم اخلاق » می‌داند. با اندک تأملی در مفاهیم متعالی اسلامی می‌توان به ارتباط تنگاتنگ اخلاق و دین پی برد. از آنجا که دین و مذهب، بر اهمیت توجه به مسائل انسانی و ارزشی از جمله عدالت، صداقت و نوع دوستی تأکید دارد و از طرفی این مفاهیم اساساً وظیفه اخلاقی را در اجتماع برای ما به عنوان موجودی اجتماعی نمایان می‌سازد، بین مضامین دین و اخلاق مشترکات زیادی را می‌توان یافت. در مباحث معنوی کمک و دستگیری مستمندان در دین اسلام بسیار سفارش شده است، لذا همچنان که پژوهش‌های روانشناسان نشان داده است، بین اعتقادات دینی و معنوی و سلامت روان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در واقع افراد با گرایش معنوی با آموزه‌های انسانی آشنایی دارند و خود را مقید می‌دانند، به طوری که در تصمیمات زندگی خود به مسائل انسانی بیشتر رجوع می‌کنند و بر اساس آن در زندگی خود عمل می‌کنند، لذا صافی مبانی معنوی، تعیین کننده عمل آن‌ها در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی و اخلاقی است. در نتیجه می‌توان چنین عنوان کرد که اخلاق و دین نه تنها با یکدیگر همپوشی دارند، بلکه در مواردی اخلاق می‌تواند مسائل و موضوعات خود را از دین و معنویت استخراج کند(به نقل از حدادی و همکاران، ۱۳۹۵)

لینک و کیل بر این باورند که هوش اخلاقی در برگزیده چهار بعد اصلی شامل درست کاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش، دلسوزی و ده زیرمجموعه ( شایستگی ) یا مؤلفه‌های شایستگی شامل انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، انجام تعهدات فردی، مسئولیت‌پذیری ، پاسخگویی در برابر تصمیم‌های شخصی، خودکنترلی و خود محدودسازی، کمک به دیگران قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، مراقبت از دیگران(مهربانی )، درک احساسات دیگران( بشردوستی و رفتار شهروندی) و درک نیازهای روحی خود ( ایمان، اعتقاد و تواضع) می‌باشد ( لینک و کیل، ۲۰۱۱). هوش اخلاقی شامل ترکیبی از تمایل و اراده است. این هوش شامل روشی است که ما فکر می‌کنیم، احساس می‌کنیم و عمل می‌کنیم. تشخیص درست از اشتباه به تنهایی ممکن نیست احساسات، مهارت‌ها یا اعمال ما را تغییر دهد(روندی و کلارکن، ۲۰۱۰؛ به نقل از حدادی و همکاران، ۱۳۹۵)

### مؤلفه‌های هوش اخلاقی

درست کاری: لینک و کیل (۲۰۰۵) درست کاری را ایجاد هماهنگی بین آنچه که به آن باور داریم و آنچه که به آن عمل می‌کنیم، می‌دانند. به عبارت دیگر انجام آنچه که می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان‌ها. کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، به شیوه ای که با اصول و عقایدش سازگار باشد، عمل می‌کند.

مسئولیت‌پذیری: کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال و پیامدهای آن اعمال، همچنین اشتباهات و شکست‌های خود را نیز می‌پذیرد. بروئر (۲۰۰۱) احساس مسئولیت را بیانگر نوعی نگرش و مهارت می‌داند که مانند هر نوع نگرش و مهارت دیگر آموختنی و اکتسابی است. گلاسر مسئولیت را با سلامت روانی ارتباط می‌دهد و معتقد است که هر قدر افراد مسئولیت بیشتری داشته باشند از لحاظ سلامت روانی سالم‌تر هستند و بالعکس(جورج و همکاران، ۲۰۰۱) همچنین افراد با هوش اخلاقی بالا از مسئولیت‌پذیری بالاتری برخوردارند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کمبود و نارسایی‌ها در زمینه‌های تربیتی، اخلاقی، معنوی، آموزشی و همانندسازی نادرست با خانواده و همسالان از زمینه‌های مهم و مؤثر گرایش نوجوانان به رفتارهای خلاف قانون، عدم مسئولیت‌پذیری و گرایش به بزه است(اسکندری و همکاران، ۱۳۹۱).

دلسوزی: دلسوزی توجه به دیگران است و دارای تأثیر متقابل است. اگر نسبت به دیگران مهربان و دلسوز بودیم، آنان نیز در زمان نیاز با ما همدردی می‌کنند و مهربان خواهند بود. دلسوزی پایه‌ای برای توان احساس آنچه دیگران احساس می‌کنند و ایجاد مبنایی پایدار برای عمل دسته جمعی است. دلسوزی احساس اعتماد را افزایش می‌دهد (مختاری پور، ۱۳۸۸).

بخشش: بخشیدن، آگاهی از عیوب خود و تحمل اشتباهات دیگران است (لنیک و همکاران، ۲۰۰۵). بخشش اجازه رهاکردن احساس و عقاید ما است، در مورد آنچه دیگران باید انجام بدهند. زمانی که دیگران را می‌بخشیم، زندگی در روابط سالم تر با دیگران را انتخاب می‌کنیم (هان، ۱۹۹۲). بخشودن یک فضیلت اخلاقی است که در برابر خطای دیگران انجام می‌شود و قابل آموزش دادن است (انرایت، ۲۰۱۱). هرچند انتقام گرفتن پاسخ طبیعی انسان در برابر خطاهای دیگران است (مایبرگ، ۲۰۱۱) اما بخشش شاه راه سلامت روانی است (ماتسویوکی، ۲۰۱۱). بخشش یک ویژگی سودمند در روابط انسانی است که به طور گسترده به عنوان یک موضوع پژوهشی به وسیله متخصصان علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. در دو دهه اخیر روانشناسان علاقمند بوده‌اند تا این موضوع را مورد آزمون قرار داده و از آن به عنوان یک عامل مهم و مؤثر در روابط بهره‌جویند (گل محمدیان، بهروزی و یاسمی نژاد، ۱۳۹۴). در مورد چگونگی تعریف مفهوم بخشش، بحث‌های بسیاری وجود دارد (انرایت و همکاران، ۱۹۹۲، مک کالوگ و همکاران، ۲۰۰۰). توسینت (۲۰۰۵) معتقدند که بخشش را باید به عنوان یک ساختار چندبعدی حاوی عاطفه، رفتار و شناخت مفهوم‌سازی کرد و بر اهمیت اهداف مختلف (مثل شخص، دیگران و خدا) و شیوه‌های بخشش (مانند: ابراز احساس و جستجو) تأکید کرد. برای عفو و بخشش تاکنون تعاریف چندی ارائه شده است. از جمله این تعاریف، تعریف انرایت و همکاران (۱۹۹۸) از اهمیت بسیاری برخوردار است. آن‌ها بخشش را فرایند گذشتن از خطای دیگران می‌دانند که یا به علت انگیزه آرامش درونی یا بهبود روابط با خاطی و یا به منظور انجام رفتاری ارزشی صورت می‌گیرد و دارای پیامدهای رهایی از احساس منفی نسبت به فرد خطاکار، غلبه بر رنجش حاصل از بدی و پرهیز از عصبانیت، دوری، جدایی و انتقام نسبت به فرد خطاکار می‌باشد (حاجلو و همکاران، ۱۳۹۴). برای اندازه‌گیری و مطالعه هر سازه مانند بخشش، ابتدا باید آن را مفهوم‌سازی کرد. در مورد چگونگی تعریف مفهوم بخشش به عنوان یک سازه نیز بحث‌های فراوانی وجود داشته است (بحرال‌الدین و همکاران، ۲۰۱۱). برای درک بهتر مفهوم بخشش، بررسی مفهوم خطا الزامی است. خطاها رویدادهایی هستند که هرکس آن را برخلاف انتظار و فرضیات خود، دیگران و جهان می‌داند. هنگامی که افراد خطاها را تجربه می‌کنند، آن‌ها به طور معمول افکار منفی مثل «این خطا زندگی ام را ویران کرده است» احساساتی مثل «خشم» یا رفتاری مثل «انتقام گرفتن» را رشد می‌دهند که به خطاکار، نوع خطا و نحوه انعکاس پاسخ‌شان (شناختی، عاطفی یا رفتاری) به فرد خطاکار مربوط است. بنابراین، پاسخ‌های فرد بخشنده به مجموعه‌ای از افکار، هیجانات یا رفتارهایی برمی‌گردد که وی در قبال خطاکاران، خطاها و پیامدهای همراه با خطاها از خود بروز می‌دهد (مایبرگ، ۲۰۱۱؛ گل محمدیان، بهروزی و یاسمی نژاد، ۱۳۹۴). هنگامی که افراد می‌بخشند، تأیید می‌کنند که خطایی رخ داده است و سپس با پردازش شناختی، عاطفی یا رفتاری به ارزیابی مجدد از خطا و خطاکار می‌پردازند، یعنی فرد بخشنده با ارزیابی مجدد، فرد خطاکار را به شیوه جدیدی مورد قضاوت قرار می‌دهد (تامپسون و همکاران، ۲۰۰۵، تورسن، ۲۰۰۱). در بخشش، انگیزش‌های منفی مانند انتقام جویی در برابر فرد خاطی به انگیزش مثبت آشتی و خوش نیتی تغییر می‌یابد. به عبارت دیگر، بخشش به عنوان یک مؤلفه مهم هوش اخلاقی انگیزش‌های تجدیدشده مرتبط با انگیزش‌های آشتی و خوش نیتی است (هوک، ۲۰۰۷؛ مختاری پور و سیادت، ۱۳۸۸).

خدمت: خدمت رسانی به دیگران، در فکر، احساس و عمل، یک جوّ مولد ایجاد می‌کند که ارتباطات را با درجه بالایی از حالات انسانی بسط می‌دهد، نه این که روابط عمدتاً با ارزش‌های ابزاری هزینه‌های معاملاتی و مبادله شکل بگیرد (اندام و روح پرور، ۱۳۹۴). تواضع و احترام به دیگران: افراد اخلاق مدار به دیگران احترام می‌گذارند: وظیفه هر کس آن است که با دیگران به گونه‌ای احترام آمیز رفتار

کند و برای دیگران فقط به خاطر خودشان، احترام قائل شود نه به خاطر هدف دیگری، یعنی از احترام گذاشتن فرد به عنوان ابزاری برای دستیابی به هدفی دیگر بهره نگیرد. دستیابی به این مقصود، زمانی میسر است که به ارزش و تصمیمات دیگران احترام بگذاریم. در جایی که چنین رفتاری رخ نمی‌دهد، فرد خود را در مقام بردگی و خدمت به تحقق سایرین می‌یابد. شکل عملی احترام به افراد، با همدلی، هم‌احساسی و گوش دادن به خود است که به ارزش‌ها و سعه صدر داشتن‌ها در برابر دیدگاه‌های متفاوت تجلی، می‌یابد (بهاری فر و همکاران، ۱۳۹۰).

قدرشناسی: قدرشناسی پایه‌ای برای روابط سالم بین شخصی، با وضع هنجارهایی از احترام و توجه مثبت به نیازها و کمک دیگران ایجاد می‌کند. در راستای قدردانی به عنوان یک مؤلفه مهم در هوش اخلاقی گوردون و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که هم‌احساس و هم‌بیان قدردانی با ادراک رضایت زناشویی در زوجین ارتباط دارد. آلگو و همکاران (۲۰۱۰) نیز دریافتند که قدردانی هم در فرد قدردانی‌شونده هم در فرد قدردانی‌کننده رضایت از رابطه را پیش‌بینی می‌کند. لامبرت و همکاران (۲۰۱۰) گزارش کردند که قدردانی در روابط عاطفی یا روابط دوستانه نزدیک منجر می‌شود که فرد قدردانی‌کننده احساس قدرت مشترک یا مسئولیت بیشتری برای حفظ سلامت روان طرف مقابل کند (حدادی و همکاران، ۱۳۹۵).

آرامش و صلح: برای برخی افراد اصول اخلاقی مهم و محوری است درحالی که برای برخی دیگر ارزشهای اخلاقی در تصمیم‌گیریهای مرتبط با موفقیت‌های زندگی و کاری، عامل کلیدی به شمار نمی‌رود (حافظه، زهیرو و گوشینا، ۲۰۱۲). اخلاق شامل همه خوبیها و فضایی است که افراد فکر می‌کند و یا انجام می‌دهند (سوپرسون، ۲۰۰۹؛ گل محمدیان، ۱۳۹۵).

هوش اخلاقی، مشترک در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد. از نقطه نظر ادراکی قضاوت درباره کردار نیک و بد در ریشه اصول جهانی داشته و از تمامی موانع فرهنگی عبور می‌کند. از کدهای اخلاقی مهم در همه فرهنگ‌ها تشخیص مسئولیت، تقابل و توانایی همدردی کردن می‌باشد. عمده مذاهب دنیا مشترکاً ارزش‌هایی نظیر: تعهد، مسئولیت‌پذیری، احترام و کرامت به دیگرانسان‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند (لنیک و همکاران، ۲۰۰۵؛ براون، ۱۹۹۱؛ رفعتی و همکاران، ۱۳۹۳).

بوربا (۲۰۰۲) هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی فهمیدن درست از خطا، به معنی داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار به شیوه درست و پسندیده تعریف می‌کند. وی در کتاب ساختن هوش اخلاقی هفت فضیلت اساسی توجه می‌کند و برای آموزش این فضیلت‌های اساسی به جهت انجام آنچه که درست است و استقامت (پایداری) در برابر هر فشاری که ممکن است رفتارها و عادت‌های درست آن‌ها را به مبارزه بطلبد مراحل را نیز در نظر می‌گیرد: همدلی: شناسایی احساسات انسان‌ها؛

وجدان: دانستن راه صحیح و درست و عمل به آن؛

خودکنترلی: تنظیم تفکرات و اعمال خود؛

احترام گذاشتن: ارزش قائل شدن برای دیگران با رفتار مؤدبانه و با ملاحظه به آنان؛

مهربانی: توجه به نیازها و احساسات دیگران؛

بردباری و تحمل: احترام گذاشتن به شأن و حقوق همه افراد حتی افرادی که عقاید و رفتارشان مخالف با ما است؛

بی‌طرفی (انصاف): انتخاب‌های عاقلانه و عمل به شیوه منصفانه است (بوربا، ۲۰۰۲؛ رفعتی و همکاران، ۱۳۱۳).

## اهمیت و کاربرست هوش اخلاقی

با بررسی ارزش های فرد می توان آنها را به ارزش های اخلاقی اصلی و ارزش های اخلاقی فرهنگی یا فردی تقسیم کرد. ارزش های اصلی مبنا و اساس تصمیمات اخلاقی هستند. این ارزش ها صرف نظر از زمان، فرهنگ و دین، ارزش های پایه ای می باشند. معمولاً این ارزش ها توسط کلماتی مثل قابل اعتماد بودن، احترام، مسئولیت، عدالت و انصاف، آداب اجتماعی و شهروندی تعریف می شوند. ارزش های فرهنگی یا فردی باورهایی است درباره آنچه که درست یا غلط می باشد. این باورها از تجربه، ارزش های خانواده، باورهای دینی، سنت های فرهنگی و استانداردها و اقدامات حرفه ای نشئت می گیرد و با تغییر در زمان، فرهنگ، دین و افراد تغییر می کنند (کلارک، ۲۰۰۰؛ نقل از بهاری فر و همکاران، ۱۳۹۰)

اخلاق مندی به عنوان سرمایه یا راهبردی برای مجموعه های افراد مطرح است و پیش شرط یک زندگی اجتماعی کارآمد را فراهم می سازد (ترنر و همکاران، ۲۰۰۲). بی شک هوش و اخلاق هر کدام به تنهایی جنبه های متفاوتی از زندگی انسان را تحت تاثیر قرار می دهند و موقعیت های آنان را در جامعه تثبیت و تعیین می نماید، بررسی متون پژوهشی در رابطه با هر یک از این مفاهیم به طور جداگانه اهمیت آنها را کاملاً روشن و آشکار می سازد. به بیان دیگر هوش اخلاقی «هوش حیاتی» برای همه انسان ها است به آن دلیل که هوش اخلاقی دیگر اشکال هوش را در انجام امور ارزشمند هدایت می کند (بستون، ۲۰۰۳) و نیز شامل ترکیبی از دانش، تمایل و اراده است و روشی است که ما فکر، احساس و عمل می کنیم (فلیت و هارمان، ۲۰۱۰) بسیاری از رفتارها و عملکردهای انسان ریشه در اصول و ارزش های اخلاقی دارد و از آن متاثر می شود (بوربا، ۲۰۰۵) هوش اخلاقی با رفتارهایی که افراد از خودشان نشان می دهند رابطه مستقیم دارد و نظامی از اصول و قواعد را ایجاد می کند که انسانها را در انجام آنچه که صحیح است راهنمایی می کند (یوسفی و حشمتی، ۱۳۹۴)

بی شک ارزش ها و هنجارهای اخلاقی از عناصر محوری، تعیین کننده و جایگزین ناپذیر زندگی اجتماعی است. مسلماً شکل گیری هنجاری و نهادینه شدگی ارزش های اخلاقی، در ساختار درونی افراد و تعاملات فی ما بین آنها و نیز در متن بافت ها و بسترهای اجتماعی نهفته است؛ که نظام شخصیتی افراد را شکل داده و در قالب های فرهنگی- اجتماعی، رفتارها و کنش های آنها را در عرصه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی همسو با منافع و صالح جمعی هدایت می کنند. بی شک هوش و اخلاق هر کدام به تنهایی جنبه های متفاوتی از زندگی انسانها را تحت تاثیر قرار داده و موقعیت آنان را در جامعه تثبیت و تعیین می نمایند که با بررسی متون پژوهشی در مورد هر یک از این مفاهیم به صورت جداگانه اهمیت آنها کاملاً روشن می گردد (فریدونی، دهقانی و شیخ زاده، ۱۳۹۲). بنابراین انتظار می رود افراد باهوش اخلاقی بالا کارها را درست انجام داده، اعمال آنها پیوسته با ارزش ها و عقایدشان هماهنگ بوده، عملکرد بالایی داشته و همیشه کارها را با اصول اخلاقی پیوند دهند. به همین علت است که یافته های پژوهشی هوش اخلاقی را به عنوان عامل اجتماعی سازی تعریف کرده اند (راما، ۴، ۲۰۱۱؛ به نقل از فریدونی، دهقانی و شیخ زاده، ۱۳۹۲).

## سازگاری

منظور از سازگاری رابطه ای است که میان فرد و محیط او به ویژه محیط اجتماعی وجود دارد و به او امکان می دهد تا انگیزه های کمبود فراوری خود را ارضا کند (آذین و موسوی، ۱۳۹۰). همچنین سازگاری را می توان این گونه تعریف کرد: هرگاه که تعادل جسمی و روانی فرد به گونه ای دچار اختلال شود که حالت ناخوشایندی به وی دست دهد و برای ایجاد توازن نیازمند به کارگیری نیروهای درونی و حمایت های خارجی باشد و در این اسلوب به کارگیری سازوکارهای جدید موفق شود و مساله را به نفع خود حل کند، گویند سازگاری به وقوع پیوسته است (اسلامی نسب، ۱۳۸۸: ۵۲). واژه سازگاری در لغت نامه دهخدا به معنای موفقیت در کار،

حسن سلوک و .. به کار رفته است. مفهوم سازگاری از واژه انطباق در زیست شناسی گرفته شده است که یکی از پایه های نظریه تکامل داروین (۱۸۹۵) است و به ساختارهای بیولوژیکی و فرایندهایی که زنده ماندن انواع موجودات را تسهیل می کند، اشاره دارد (به نقل از لازاروس، ۱۹۷۴).

بنابره تعریف، سازگاری یک ساختار فیزیولوژیکی یا کالبد شناختی، یک فرایند زیست شناختی، یا یک الگوی رفتاری است که در طول تاریخ به بقا و تولید مثل کمک کرده است (ویلسون، ۱۹۷۵) سازگاری از راه انتخاب طبیعی به وجود می آید و باید قابل انتقال از راه توارث باشد (هرگنهان و السون، ترجمه سیف، ۱۳۸۳).

بنابراین، منظور از سازگاری رابطه ای است که میان فرد و محیط او به ویژه محیط اجتماعی وجود دارد و به او امکان می دهد تا انگیزه های کمبود فراروی خود را ارضا کند. همچنین سازگاری را می توان این گونه تعریف کرد: هرگاه که تعادل جسمی و روانی فرد به گونه ای دچار اختلال شود که حالت ناخوشایندی به وی دست دهد و برای ایجاد توازن نیازمند به کارگیری نیروهای درونی و حمایت های خارجی باشد و در این اسلوب به کارگیری سازوکارهای جدید موفق شود و مساله را به نفع خود حل کند، گویند سازگاری به وقوع پیوسته است (اسلامی نسب، ۱۳۸۳: ۵۲). هرگاه انگیزه های قوی انسانی به وسیله موانع عبور ناپذیر سد شود و تعارض روی دهد و در نتیجه نیازمند اتخاذ روش هایی شود که این تعارض را به نفع سلامت روانی و حتی رشد و تعالی خاتم یا تغییر جهت دهد، این روش های علمی را به کارگیری سازگاری می نامند (محسن زاده و حسنی، ۱۳۹۱: ۶)

سازگاری توانایی آمیزش، انطباق، مصالحه، همکاری و کنار آمدن با خود، محیط و دیگران است که با سازش (حداقل در معنای اصطلاحاتی) متفاوت می باشد زیرا در سازگاری پذیرش دوسویه است و صرفاً یک نفر پذیرنده، منفعل و سنگ زیرین آسیاب می باشد. به عبارتی سازگاری تعاملی دو سویه است که دو طرف آن احساس پیروزی می کنند و از آن ارتباط احساس لذت و رضایت می کنند اما در سازش کردن معمولاً یک نفر احساس باخت، گناه و از دست دادن می کند که در صورت تکرار و مداومت این سبک زندگی می توان فرد را شکننده و بهداشت روان او رامختل کند (محسن زاده و حسنی، ۱۳۹۱: ۶۲).

سازگاری تعیین کننده میزان موفقیت فرد در مقابله با گروه های گوناگون می باشد و موجب محبوبیت اوست. آن کسی از سازگاری اجتماعی برخوردار است که مستقل باشد، مسئولیت تصمیمات و اعمال خود را بپذیرد، برای افراد دیگر جامعه ارزش قائل شود، به شرکت در فعالیت های گروهی علاقه مند باشد و در مواقع ضروری راهنمایی و توصیه های دیگران را بپذیرد (اسلامی نسب، ۱۳۸۳).

سازگاری اجتماعی عکس العملی از اخلاقیات، عواطف و احساسات خود، به عبارت دیگر چنین ویژگی هایی می تواند درجه تطبیق شخص را با اجتماع تعیین کند نه علم و دانش او (صالحی و دهقان، ۱۳۹۱).

سازگاری اجتماعی به عنوان مهم ترین نشانه سلامت روان از مباحثی است که در دهه های اخیر توجه بسیاری از جامعه شناسان، روانشناسان را به خود جلب کرده است. گاه واژه اجتماعی شدن، جامعه پذیری و رفتار جامعه پسند مترادف سازگاری اجتماعی می آید. بنابراین اجتماعی شدن فرآیندی است که فرد از طریق آن قالب ها، ارزش ها و رفتارهای موردنظر فرهنگ و جامعه خود را می آموزد (رئیس، ۱۳۸۷). به طور کلی سازگاری اجتماعی به رفتارهایی اطلاق می شود که شالوده ارتباطات موفق و رودر رو را تشکیل میدهد و رشد سازگاری اجتماعی بخشی از جریان اجتماعی شدن فرد است و هرگونه آموزش در این زمینه باید در خصوص اجتماعی شدن فرد صورت گیرد. تعاملات اجتماعی اولیه با والدین و ارتباطات بعدی با گروه های همسالان و دیگر بزرگسالان باعث افزایش مهارت های سازگاری و انطباق در آنها می شود. کارینز و بوچانان اظهار می دارند که فرایندهای سازگاری در زمینه ارتباطات اجتماعی شکل می گیرند. پس می توان نتیجه گرفت که اجتماعی شدن زمینه افزایش سازگاری را در افراد فراهم می آورد. سازگاری به نقل از

انجمن روانپزشکی آمریکا عبارت است از «همه‌نگ ساختن رفتار به منظور برآورده ساختن نیازهای محیطی»، که غالباً مستلزم اصلاح تکانه‌ها، هیجانات و یا نگرش‌ها می‌باشد. حال اگر به هر علتی فرد از برقراری ارتباط با دیگران و محط اجتماعی خود ناتوان باشد یا به عبارتی جریان سازگاری مختل شود رفتارهای ناسازگارانه اجتماعی - عاطفی در کودکان و نوجوانان با پیامدهای منفی در زندگی حال و آینده آنها همراه است (شهینی ییلاق، ۱۳۸۷) در اینجا به طور خلاصه متغیرهای مؤثر در فرایند سازگاری ارائه می‌گردد: - شخصیت فردی که در جریان سازگاری قرار گرفته است. درک فرد از مشکلاتی که چقدر برای فرد محدودیت ایجاد کرده است. (شدت مشکل، قدرت آسیب زدگی و صدمه زایی آن. حمایت‌های اجتماعی که از فرد بحران زده صورت می‌گیرد. حمایت‌های خانوادگی که از فرد در جریان سازگاری صورت می‌گیرد. تعداد راه‌های ممکن که فرد می‌تواند برای رسیدن به هدف انتخاب کند. درجه اهمیت هر راه حل و نحوه‌ی دستیابی به آن. توانایی و استعداد برای مراقبت از سلامت خود. درک فرد از موقعیت فعلی خود. درک خانواده از موقعیت فرد. توانایی‌ها و استعدادهای فرد برای مهارت‌های اجتماعی. روش زندگی، نگرش‌ها و فعالیت‌های محیطی اثرگذار. دیدگاه‌های عقیدتی و اخلاقی فرد نسبت به دنیا و مشکلات موجود در آن (اسلامی نسب، ۱۳۸۳).

### فرآیند سازگاری

سازگاری فرایندی است در حال رشد شامل توازن بین آنچه افراد می‌خواهند و آنچه جامعه‌شان می‌پذیرد. یا به عبارت دیگر سازگاری یک فرایند دو سویه است. از یک طرف فرد به صورت مؤثر با اجتماع تماس برقرار می‌کند و از طرف دیگر اجتماع نیز ابزارهایی را تدارک می‌بیند که فرد از طریق آنها توانایی‌های بالقوه خویش را واقعیت می‌بخشد (نیوکا و کپل، ۱۹۹۱، به نقل از فرقدانی، ۱۳۸۳). سازگاری به فرایندهای روانشناسی که مردم را با تغییرات روزمره همه‌نگ می‌کند، اشاره دارد و آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد (وایتن و لیوید، ۱۹۹۷، به نقل از شهسواری، ۱۳۸۲). سینهاوسینگ در سال ۱۱۱۳ از سازگاری تعریفی ارائه کرده‌اند: سازگاری عبارت است از ثبات عاطفی و جسارت در روابط اجتماعی و نیز علاقه به تحصیل و مدرسه در فرد، که به صورت سازگاری عاطفی، سازگاری اجتماعی و سازگاری آموزشی دیده می‌شود (سینهاوسینگ، ۱۹۹۳، ترجمه کرمی، ۱۳۸۷). جریان سازگاری از مراحل به هم پیوسته گوناگونی تشکیل شده است که افراد را در حالات گوناگون در بر می‌گیرد. آغاز فرایند سازگاری از نیاز سائق شروع شده و با ارضای آن تمام می‌شود. برای روشن شدن فرایند سازگاری به مراحل مختلف آن و با ذکر ترتیب اشاره می‌شود:

- برانگیختگی و احساس نیاز
  - انتخاب هدف و حرکت به سوی هدف جهت ارضای نیاز
  - برخورد با مشکل، سد یا مشکل
  - شکست در روش نخستین و انتخاب روش‌های جدیدتر
  - کارآمدی یکی از روش‌های حل مشکل
  - رسیدن به هدف
- انگیزه اجتناب از برخورد با مانع یا مشکل و فرار از ادامه راه برای رسیدن به هدف و وقوع سازگاری (بهنام و همکاران، ۱۳۱۴).

## عوامل مؤثر بر سازگاری

نظریه پردازان، سه کانون اصلی برای فرایند سازگاری در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: خانواده، مدرسه، و دوستان. در مطالعات تجربی متعدد، عوامل دیگری نیز برای فرایند سازگاری بیان شده است که در ادامه به سه مورد از آن اشاره نموده‌ایم.

الف) خانواده: خانواده به ویژه مادر نخستین و مهمترین نقش را در رشد شخصیت، فرایند اجتماعی شدن و سازگاری فرد بر عهده دارد، زیرا محیط خانواده، نخستین محیطی است که در آن کودک، از کیفیت تعاملات انسانی آگاهی می‌یابد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که عوامل و روابط خانوادگی از جمله ارتباطات عاطفی درون خانواده بر رشد شخصیت و سازگاری فرد تأثیری بسیار مهم دارد (هک، ۲۰۰؛ به نقل از درویزه، ۱۳۳۳). همچنین پژوهشگران دریافته‌اند کودکانی که در ساختارهای خانوادگی غیر سنتی زندگی می‌کنند، سازگاری ضعیفی را به صورت رفتارهایی مانند پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی، مشکلات ارتباطی، میزان بالای ترک تحصیل، مصرف مواد مخدر و الکل نشان می‌دهند. مشابه همین نتایج در بررسی بر کودکان طلاق و فرزند خوانده‌ها و نیز کودکانی که با یکی از والدین زندگی می‌کنند، به دست آمده است. (البجیور و همکاران، ۲۰۰۴). با رضایت زناشویی برخورد و درگیری بسیار بالای والدین دانش آموز و ارتباط و دلبستگی ضعیف بین دانش آموز و پدر و مادرش می‌تواند بر سازگاری تحصیلی و شخصی و نیز سلامت روان شناختی او تأثیر منفی داشته باشد (گردس، ۱۹۹۴؛ به نقل از عیدیان، ۱۳۸۵)

به طور کلی گویی محیط خانواده مهمترین عامل سازگاری کودک است. عواقب ناشی از تربیت توأم با خشونت و سردی در همان سالهای اولیه زندگی ظاهر می‌شود و دوران مدرسه و حتی نوجوانی و بزرگسالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کدیور، ۱۳۸۲) بنابراین، اگر رفتار اعضا خانواده بر دوستی، محبت و پذیرش متکی باشد فرد احساس امنیت و آرامش می‌کند و بر اثر رشد اجتماعی مطلوب و تقویت عزت نفس قدرت سازگاری بیشتری با محیط به دست می‌آورند (حسین آبادی، ۱۳۸۲)

ب) مدرسه: مدرسه به خاطر مشخص نمودن وظایف و حقوق افراد و انتقال ارزشهای اجتماعی یکی از مراکز مهم اجتماعی شدن فرد تلقی می‌گردد. یک سلسله هنجارهای رفتاری وجود دارد که انتظار می‌رود افراد در جامعه بزرگتر خود را با آن هنجارها سازگار کنند. در جامعه کوچک مدرسه نیز هنجارهایی از این قبیل وجود دارد. زمانی که فرد بتواند خودش را با آن هنجارها و انتظارات وفق دهد سازگاری صورت پذیرفته است (ستوده، ۱۳۷۸) مدرسه در دوره کودکی به منزله موقعیت و شرایط جدیدی است که کودک باید خود را با آن سازگار کند. کودکانی که نتوانند خود را با شرایط تازه سازگار کنند در دوره های دیگر نیز اغلب دچار مشکلات عاطفی و رفتاری خواهند شد. تقریباً ۲۱ درصد کودکان دبستانی دچار انواع اضطراب شدید و غیر قابل کنترل می‌شوند. خوبی مدرسه نمونه ای از آن است. (برک، ۲۰۰۱، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۳) بطور کلی شاخص سازگاری در مدرسه، اولاً رضایت ذهنی فرد از ارتباطات فردی و شخصی و ثانیاً عملکرد تحصیلی دانش آموز در مدرسه است (اسکات، ۱۹۸۹؛ به نقل از عیدیان)

ج) گروه همسالان: در اواسط کودکی، اجتماع همسالان بستر بسیار مهمی برای رشد می‌شود تماس با دوستان نقش مهمی در درک دیگران و آگاهی از خود و دیگران ایفا می‌کند. این تحولات به نوبه خود به ارتقای کیفیت تعامل با همسالان کمک می‌کند و در سالهای دبستان بیشتر نوع دوستانه می‌شود. در راستای این تغییر، پرخاشگری، مخصوصاً حملات بدش کاهش می‌یابد (رابین، بوکوسکی و پارکر، به نقل از برک ۲۰۰۱، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۳). کودکان طردشده، ناخشنود و منزوی هستند، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس کمی دارند، معلمان و والدین آنها را مبتلا به مشکلات هیجانی و اجتماعی ارزیابی می‌کنند. طرد همسالان در دوران کودکی با عملکرد تحصیلی ضعیف، ترک تحصیل، رفتار ضد اجتماعی و بزهکاری در نوجوانی و مجرم بودن در اوایل بزرگسالی رابطه نیرومندی دارد (برک، ۲۰۰۱، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۳). گروه از طریق اعطای پاداش و یا انتقاد و تحریم در مقابل همنوایی

یا ناهمنوایی، به عبارتی سازگاری یا ناسازگاری اعضاء با هنجارهای گروه تأثیر بسیار نیرومندی را بر رفتار و شخصیت اجتماعی آنها اعمال می کند. این نوع سازگاری هم توسط دیگران و هم توسط پذیرش از طرف دیگران و نیز میزان رضایت فرد از روابط با دیگران ارزیابی می شود (ستوده، ۱۳۷۸).

د) عوامل فردی: ویژگی های فردی از قبیل جذابیت فیزیکی، بیماری جسمی و مهارت های حرکتی اگر چه از کنترل فرد خارج هستند ولی از جمله متغیرهایی است که در جذب و پذیرش نقش مهمی دارند. گروهی دیگر از ویژگی های فردی که به ویژگی های روانی معروفند نیز در سازگاری فرد موثرند از جمله این ویژگی ها خلق و خو می باشد.

ه) عوامل اجتماعی: تغییرات سریع و بزرگ اجتماعی مانند بیکاری، از هم پاشیدگی کانون خانواده و فقر و تماس دائمی بامعیارهای اخلاقی و فرهنگی مغایر با معیارهای خانوادگی احتمالاً به ناسازگاری می انجامند.

و) عوامل میهن و اخلاقی: انسان با اخلاق، مسئولیت سخت تری نسبت به دیگر افراد دارد. او به هر مسلمان و انسان مظلوم دیگری در هر جای زمین می اندیشد و این موضوع روی سازگاری تاثیرگذار است. نگرش مذهبی و مذهب دو عاملی هستند که می توانند با سازگاری در ارتباط باشند (خدایاری فرد، ۱۳۷۳).

### مکانیسم های سازگاری

افراد در برابر محیط خارج ناگزیر می شوند امید و هوس های خودشان را بپروانند. اگر این آرزوها برآورده شود کامیاب می شوند و اگر راضی نشوند جزو هدف های منفی با رسوم اجتماعی جامعه به حساب می آیند. پس خودآگاه آنها را پس می زند و به ناخودآگاه رانده می شوند. حال تمایلات و پس زده در عمق ناخودآگاه نمی ماند و پیوسته در تکاپو هستند و دچار دگرگونی یا تبدیل می شود و برای یافتن به خودآگاه به حیللهایی دست می زنند (اسلامی فر، ۱۳۹۰).

برای از بین بردن کشاکش روانی و ایجاد سازش میان من و من برتر و دنیای خارج، روان تدابیر لازم را اتخاذ می کند. این کوشش ها که روان برای سازگاری میان نیروهای سه گانه به کار می برد از نظر فروید ماشینی هستند و او آنها را مکانیسم می نامد. مکانیسم های دفاعی مانورهای روان شناختی هستند که افراد به طور ناهوشیارانه و غیرارادی در مقابل اضطراب و بیماری آن را به کار می گیرند که راهبرد اساسی است که من برای حفظ بقای خود استفاده می کند. (ترخان و دیگران، ۱۳۹۰).

البته همه افراد به گونه ای در زندگی روزمره خود از این مکانیسم های سازگاری استفاده می کنند (همان) در اینجا به طور خلاصه به معرفی چند گزینه از این مکانیسم ها می پردازیم .

الف: انکار : فرد به راحتی می تواند با استفاده از این مکانیسم اضطراب را از خود دور گرداند. البته این راه حل به طور موقتی باعث آرامش فرد می شود. (جوانمرد، ۱۳۸۹: ۳۶)

ب: همانند سازی : در این نوع سازگاری برای آنکه از گشایش روان راحت شود خودش را با عوامل خارجی ( ممکن است شخص یا شیء) باشد منطبق می کند. (گنجی، ۱۳۷۸).

ج: فرافکنی : اکثر بیماران از این مکانیسم استفاده می کنند و با برونی سازی هیجانات خود و استفاده از مکانیسم های دفاعی فرافکنی تکانه ها افکار نامقبول خود را به دیگران نسبت می دهند

د: بازگشت : وقتی فردی به یک موضوعی برخورد می کند که با موقعیتش در تضاد است سعی می کند به مراحل که قبلا در آن آرامش داشته برگردد . البته مکانیسم های سازگاری دیگری نیز وجود دارد که شامل جبران، جابجایی، واکنش وارونه – دلیل تراشی و واپس رانی می باشد(میلانی فر ، ۱۳۸۰).

#### انواع سازگاری(طبقه بندیها)

سینه‌هاوسینگ (۱۹۹۳) سازگاری را به صورت الف) سازگاری آموزشی ب) سازگاری اجتماعی ج) سازگاری عاطفی توصیف کرده اند.

۱- سازگاری عاطفی: واکنش کودک در سالهای اول زندگی خود مربوط به اطرافیان و اغلب عاطفی است. این گونه واکنش ها در ابتدا کلی است و نمی توان دقیقا بر آن ها نام یکی از حالات مشخص عاطفی را گذارد. همراه با جریان عمومی رشد در تمامی زمینه ها، تظاهرات عاطفی مربوط به هر یک از حالات عاطفی به مرور مشخص تر و اختصاصی تر می شوند. در واقع یادگیری و کسب تجربه باعث می شود که بین تظاهرات عاطفی و محیط اجتماعی سازش به وجود آید. توجه و پشتیبانی از کودک باعث می شود که او به استقلال که مورد نیازش است دست یابد. به تدریج که کودک بزرگتر می شود همراه با رشد کلامی و شکل گیری شخصیتی او و کسب تجربه و یادگیری، تظاهرات عاطفی کودک راهی اجتماعی تر و متناسب تر برای بروز می یابند. همراه با کاسته شدن حالات عاطفی غیر منطقی کودک در صورت لزوم تظاهرات عاطفی او تغییر شکل می دهند تا متناسب با موقعیت اجتماعی شوند و امنیت او را به مخاطره نیندازد(وظیفه شناس، ۱۳۸۰).

۲- سازگاری اجتماعی : به وضعیتی گفته می شود که افراد یا گروهها رفتار خود را به تدریج و از روی عمد و یاد غیر عمد تعدیل می کنند تا با فرهنگ موجود سازگاری نمایند مانند رعایت عاداتها، عرف و تقلید. به عبارتی آن نوع واکنشهایی است که شخص برای رعایت محیط اجتماعی از خود نشان می دهد و آنها را به علت هماهنگی شان با معیارهای اجتماع و پذیرفته شدنشان از طرف آن، اساس رفتار خود قرار می دهند( آکسفورد، ۱۹۸۰، به نقل از توکلی، ۱۳۷۶) منظور از سازگاری اجتماعی داشتن رابطه صحیح و مطلوب با دیگران است. انسانی که از نظر اجتماعی رشد یافته است با دیگران سازگاری بیشتری دارد و می فهمد که هر چه روابطش با دیگران بهتر و سالم تر باشد میزان موفقیت و رضایتش بیشتر است ( وظیفه شناس، ۱۳۸۸). راجرز (۱۹۵۴) به نقل از کاظمی، معتقد است افراد براساس تصویری که از خود دارند رفتار می کنند. در واقع سازگاری اجتماعی انسان نیز بازتابی از خود پنداره وی تلقی می شود. کسانی که دارای خود پنداره ی مثبتی هستند توانایی سازگاری اجتماعی بیشتری از خود نشان می دهند.

سازگاری اجتماعی یعنی سازگاری شخص با محیط اجتماعی خود، سازگاری ممکن است با تغییر دادن خود و یا محیط به دست آید( پورافکاری ، ۱۳۸۳). در حیات اجتماعی افراد متمدن، سازگاری اجتماعی حتی از پاسخ گفتن به احتیاجات بدنی هم مهم تر است انسان علاوه بر جنبه فیزیولوژیکی که دارد یک موجود اجتماعی است. چنان چه کودک احساس نا امنی کند و یا دانشجوئی خود را تنها حس نماید و یا شخصی خود را شکست خورده بیندارد، لازم است به نحوی خود را با محیط سازش دهد. فرق اساسی بین سازگاری از نظر فیزیولوژیکی و اجتماعی آن است که در طی جریان اول تنها یک راه جهت برقرارکردن تعادل از دست رفته وجود دارد و حال آنکه در جریان دوم عدم برقراری تعادل با وجود ناراحتی و پریشانی شخص باعث مرگ او نمی شود ولی دائما انسان با آن دست به گریبان است. مثلا شخص گرسنه چنان چه غذا به او نرسد فوت می کند ولی شخصی که احتیاج به محبت دارد با داشتن زندگی پرنجی به حیات خود ادامه می دهد(شافر ۱، ترجمه پور مقدس ، ۱۳۸۷).

۳- سازگاری آموزشی: جریان شکل گیری خود پنداره تحصیلی از این قرار است. اگر دانش آموز در فعالیتهای مختلف آموزشگاهی، در اکثر موضوع های درسی و در طی چندین سال متوالی، احساس شایستگی کند و از سوی دیگران کار و فعالیتش به طور مثبت ارزیابی شود یک احساس کلی شایستگی در وی - حداقل در ارتباط با یادگیری موضوع های درسی ایجاد می شود. به همین منوال، اگر کوششهای یادگیرنده در فعالیتهای آموزشگاهی با شکست مواجه شود و از دیگران ارزیابی منفی دریافت کند در او نسبت به توانایی اش دست کم در رابطه با یادگیری آموزشگاهی یک احساس عمیق عدم شایستگی ایجاد می شود هرچند که ممکن است در این قاعده پاره ای استثناها یافت شود اما اکثر دانش آموزان نهایتاً به یک نظر مثبت یا منفی نسبت به خود به عنوان یک یادگیرنده می رسند (سیف، ۱۳۸۶).

سیف (به نقل از وظیفه شناس، ۱۳۸۰) در این باره می گوید: اگر محیط مدرسه برای دانش آموزان شواهدی که حاکی از شایستگی و لیاقت او در کار مدرسه باشد، در طی چندین سال، خصوصاً در سالهای نخست تحصیل فراهم آورد و این تجارب موفقیت آمیز در چهار، پنج سال بعد نیز تکرار شوند برای مدت نامحدودی در فرد نوعی مصونیت در برابر بیماری های روانی ایجاد می شود. چنین فردی قادر خواهد بود تا بدون تحمل رنج و عذاب بر بحران ها و فشارهای شدید زندگی غلبه کند. احساس شایستگی او و مهارتهای شخصی و فنی اش که بعضی از آن ها را در مدرسه آموخته است وی را قادر خواهد کرد تا در مقابل با موقعیت های بحرانی زندگی، روش های واقع بینانه ای را به کار برد. البته این تامین سلامت روانی حاصل از موفقیت های چشمگیر در فعالیت های مدرسه برای همه شاگردان پیرو یک قانون معینی نیست. دانش آموزانی که زیر فشار والدین و در رقابت شدید با سایر همکلاسی های خود در گرفتن نمره های بالا توفیق می یابند غالباً شخصیتی نامتعادل، وسواسی، مضطرب دارند.

اسکات نیز (به نقل از فرقدانی، ۱۳۳۳) انواع سازگاری را به این صورت عنوان می کند: ۱- سازگاری تحصیلی، ۲- سازگاری بین فردی یا اجتماعی، ۳- سازگاری خانوادگی.

#### الف) سازگاری آموزشی یا تحصیلی

جریان شکل گیری خود پنداری تحصیلی از این قرار است که اگر دانش آموز در فعالیتهای مختلف آموزشگاهی، در اکثر موضوع های درسی و در طی چندین سال متوالی، احساس شایستگی کند و از سوی دیگران کار و فعالیتش به طور مثبت ارزیابی شود یک احساس کلی شایستگی در وی حداقل در ارتباط با یادگیری موضوع های درسی ایجاد می شود. به همین منوال اگر کوششهای یادگیرنده در فعالیتهای آموزشگاهی با شکست مواجه شود و از دیگران ارزیابی منفی دریافت کند در او نسبت به توانایی اش دست کم در رابطه با یادگیری آموزشگاهی یک احساس عدم شایستگی ایجاد می شود (سیف، ۱۳۸۶) سازگاری با مدرسه می تواند به اجزایی تقسیم شود که اهم آن اجزاء عبارتند از: رضایت از مدرسه و حضور و پافشاری بر آن، رقابت در نظر معلمان، نمرات پیشرفت تحصیلی، علاقه مندی معلمان به دانش آموزان، قضاوت معلم در سازگاری دانش آموز با مدرسه و غیره. بیکرو دسایریک (۱۹۸۴) سازگاری تحصیلی را به عنوان داشتن نگرشهای مثبت نسبت به اهداف تحصیلی وضع شده، کامل کردن شروط تحصیلی، مؤثر بودن تلاش برای رسیدن به این شروط و نگرش مثبت به محیط تحصیلی تعریف کرده است. (بالترا، ۲۰۰۲؛ به نقل از عیدیان، ۱۳۸۵).

#### ب) سازگاری اجتماعی

در میان حیطه های مطرح شده، سازگاری اجتماعی را می توان به عنوان عمومی ترین و اساسی ترین جنبه سازگاری در انسان مورد بررسی قرار داد. مکانیسم هایی هست که با آنها یک فرد توانایی تعلق به گروه را می یابد لازمه این امر بروز تغییراتی در فرد است که موجب یکپارچه شدن مکانیسم هایی می شود که توسط آنها، گروه یک عضو جدید را می پذیرد (یمینی دوزی، ۱۳۷۱).

سازگاری اجتماعی بر این ضرورت مبتنی است که نیازها و خواسته های فرد با منافع و خواسته های گروهی که در آن زندگی می کند، هماهنگ گردد و حتی المقدور از برخورد و اصطکاک مستقیم و شدید با منافع و ضوابط گروهی جلوگیری به عمل آید.

سازگاری اجتماعی دربرگیرنده ارزیابی های عینی است، بدین معنی که ارزیابی های ذهنی از میزان رضایت فرد از ارتباط با دوستانش ناشی می شود و ارزیابی عینی به معنی پذیرش فرد توسط همسالان وی است. به عبارت ساده تر برای مشخص کردن این نوع سازگاری باید هم به خود فرد و هم به گروه دوستان و همسالان و محیط وی توجه نمود تا درک بهتری از سازگاری اجتماعی به دست آید. (اسکات، ۱۹۸۹، به نقل از فرقدانی، ۱۳۸۳).

#### ج) سازگاری خانوادگی

مکانیسم هایی است که توسط آن یک فرد احساس امنیت و اعتماد نسبت به اعضای خانواده خصوصاً والدین می یابد و با آنها ارتباط درستی برقرار می کند. این نوع سازگاری از طریق رضایت کودکان از خانواده هایشان و درجه دوستی آنها با والدین ارزیابی می گردد. از یافته ها چنین بر می آید که سازگاری خانوادگی با سازگاری آموزشی ارتباط نزدیک دارد و سازگاری اجتماعی نیز با سازگاری عاطفی مرتبط است و ابعاد سازگاری بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می پذیرند (کریستیان، مور و زبل، ۱۹۹۰ به نقل از درویشه، ۱۳۳۳). ویژگیهایی را برای خانواده های سالم که اعضای آن کاملاً سازگار هستند در نظر گرفته اند، اعضای این خانواده ها خود را وقف خانواده و اعضا آن می کنند، از نظر اجتماعی با یکدیگر ارتباط دارد، اوقاتی را برای هم اختصاص می دهند، عقاید مذهبی قوی دارند، یکدیگر را تشویق و ترغیب می نمایند، وظایف و نقش های مشخصی دارند (گلانیک، ترجمه بهاری، ۱۳۸۲).

#### د) سازگاری عاطفی

واکنش کودک در سالهای اول زندگی خود مربوط به اطرافیان و اغلب عاطفی است. این گونه واکنش ها در ابتدا کلی است. همراه با جریان عمومی رشد در تمامی زمینه ها، تظاهرات عاطفی مربوط به هر یک از حالات عاطفی به مرور مشخص تر و اختصاصی تر می شوند. به تدریج که کودک بزرگتر می شود همراه با رشد کلامی و شکل گیری شخصیتی او و کسب تجربه و یادگیری، تظاهرات عاطفی کودک راهی اجتماعی تر و مناسب تر برای بروز می یابند. (وظیفه شناس، ۱۳۸۰).

#### ویژگیهای افراد سازگار

برای شناخت سازگاری باید ویژگیهای افراد سازگار را بشناسیم. بسیاری از روان شناسان ویژگیهای زیر را نمودار سازگاری خوب می دانند:

۱- کارآمدی ادراک: افراد سازگار در تفسیر وقایع و همچنین نسبت به توانایی های خود واقع بین هستند. آنها ادراک نادرستی از گفتار و کردار دیگران و توانایی های خود ندارند. بدین معنی که خود را همیشه بیشتر یا کمتر از آنچه هستند یا توانایی دارند، ارزیابی نمیکنند (اتکینسون و همکاران، ترجمه براهنی، ۱۳۸۶).

۲- عزت نفس: افراد سازگار برای خود، شأن و احترام قائل هستند و خود را با ارزش و مورد قبول اطرافیان می دانند و به این دلیل در روابط اجتماعی متکی به خود هستند. آنها به راحتی می توانند روابط نزدیک و رضایت بخش با دیگران برقرار کنند (توکلی، ۱۳۸۶).

۳- توانایی کنترل رفتار خود: افراد با سازگاری خوب اطمینان دارند رفتار خود را کنترل می کنند و این احساس توانایی در خود، انگیزه افراد در برقراری روابط خوب و محبت با دیگران است (وظیفه شناس، ۱۳۸۰).

۴- توانایی تحمل و مقابله با ناکامی: فرد سازگار در وضعیت های متعارض و مواقع ناکامی قادر به شناخت و پذیرش و تصمیم گیری مناسب خواهد بود و از پذیرفتن مسئولیت واهمه ندارد (وظیفه شناس، ۱۳۸۰).

۵- انعطاف پذیری: فرد سازگار به خوبی می تواند خود را با موقعیت های مختلف و گاهی متضاد وفق دهد و حداکثر انعطاف پذیری را در رفتارهای اجتماعی و شخصی بروز دهد (توکلی، ۱۳۸۶).

۶- احساس امنیت (اعتماد به دیگران): فرد سازگار نسبت به دیگران بدبین نیست و به دیگران اعتماد دارد و به همین دلیل قادر به برقراری ارتباط و میل به رابطه اجتماعی در او زیاد است (اتکینسون و همکاران، ترجمه براهنی، ۱۳۷۸).

#### ابعاد سازگاری

به زعم فوکه و گروبلار، مفهوم سازگاری دارای ابعاد گسترده ای است. فوکه و گروبلار (۱۹۸۳، به نقل از نل، ۲۰۰۵) سازگاری را فرایندی پویا می دانند که به واسطه ی آن فرد تلاش می کند تا نیازهای درونی خود را به واسطه ی پاسخهای رشد یافته، کارآمد و سالم ارضا نماید. در حالیکه به طور همزمان با تقاضاهای محیط مقابله می کند تا رابطه ای هماهنگ بین خود و محیط ایجاد کند. آنان برای سازگاری یازده مؤلفه در نظر گرفته اند که در چهار زمینه ی اصلی طبقه بندی می شوند: روابط فردی، روابط خانه و روابط اجتماعی و روابط رسمی (تمنایی فر و منصوری نیک، ۱۳۹۳).

۱- روابط فردی که شامل پنج مؤلفه ی اعتماد به نفس، عزت نفس، خود کنترلی، سطح عصبانیت و سلامت است .

۲- روابط خانه که به ارتباطهایی اشاره دارد که فرد به عنوان یک عنصر وابسته به خانواده و محیط خانه آنها را تجربه می کند.

این حوزه شامل دو مؤلفه ی تأثیرات خانواده و آزادی فردی می باشد. درجه ای که یک فرد از عواملی چون موقعیتش در خانواده، میزان با هم بودن خانواده، ارتباطات بین والدین و وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده تأثیر می پذیرد، در مؤلفه ی تأثیرات خانواده منعکس می شود. آزادی فردی با دامنه ای از احساسات فردی مرتبط است که به وسیله ی والدین محدود نمی شود (تمنایی فر و منصوری نیک، ۱۳۹۳).

۳- روابط اجتماعی به روش مشغول بودن فرد در رابطه های غیر رسمی و همساز با محیط اجتماعی اشاره می کند. این زمینه ی سازگاری از سه مؤلفه تشکیل شده است. جامعه پذیری عام که به میزان درون گرایی و برون گرایی فرد اشاره دارد و جامعه پذیری خاص که با میزان نیاز فرد به تعامل اجتماعی نزدیک با یک فرد خاص مرتبط است. سومین مؤلفه نیز حس اخلاقی است که میزان احساسات فرد را به تعهدات رفتاری وی به هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده نشان می دهد .

۴- زمینه ی روابط رسمی که به ارتباطات در موقعیتهای رسمی اشاره دارد. این زمینه ی سازگاری دامنه ی موفقیت فرد را در ارتباطات رسمی با دیگران در مدرسه، دانشگاه یا محل کار خود در بر می گیرد (تمنایی فر و منصوری نیک، ۱۳۹۳).

مؤلفه های این چهار زمینه ی سازگاری، مؤلفه های الگوی زیستی - روانشناختی - اجتماعی را شامل می شوند. در این الگو مؤلفه ی سلامت در حوزه ی روابط فردی، مؤلفه ی زیست شناختی است. در حالیکه چهار مؤلفه ی دیگر مؤلفه های روانشناختی محسوب می شوند. زمینه های روابط خانه، اجتماعی و رسمی نیز مؤلفه ی اجتماعی این الگوی سه بخشی می باشند (نل، ۲۰۰۵؛ تمنایی فر و منصوری نیک، ۱۳۹۳).

## تعیین حجم نمونه:

اخذ تصمیم درباره حجم نمونه، از لحاظ تامین میزان دقت نتایج نمونه گیری و صرفه جویی در مقدار وقت و هزینه، از اهمیتی خاص برخوردار است. بدیهی است که بزرگ بودن حجم نمونه موجب صرف هزینه و وقت زیاد، و کوچک بودن حجم نمونه موجب عدم دقت کافی برآوردها می شود. سعی ما بر این است که در چارچوب اطلاعات موجود و با توجه به وقت و هزینه ممکن و دقت لازم، مناسب ترین حجم ممکن نمونه را انتخاب کنیم.

بدین ترتیب برای تعیین حجم نمونه به سراغ علم آمار می رویم و حجم نمونه را با در نظر گرفتن میزان دقت و سطح اطمینان مورد نظر محاسبه می کنیم.

برای تعیین تعداد نمونه مورد نیاز جهت برآورد پارامتر مورد نظر (برای مثال نسبت یک صفت خاص در جامعه، مانند نسبت معلمان ورزشکار) باید میزان اشتباه مجاز در برآورد پارامتر را در نظر گرفت. مقدار اشتباه مجاز معمولاً به صورت تفاوت میان پارامتر و برآورد آن بیان می شود. در برخی از پژوهش های علوم رفتاری که از طریق نمونه گیری انجام می شود، معمولاً یافتن برآورد برای نسبت صفت متغیر در جامعه (دانش آموزان متوسطه اول شهر محمد آباد) مد نظر است.

در صورتی که بخواهیم نسبت افراد جامعه که دارای یک ویژگی خاصی هستند (دانش آموزان متوسطه اول) را برآورد کنیم، جهت محاسبه حجم نمونه مورد نیاز از رابطه زیر استفاده می شود:

که در آن برآورد نسبت صفت متغیر با استفاده از مطالعات قبلی و است. همچنین مقدار متغیر نرمال با سطح اطمینان است که از جدول مربوطه استخراج می شود و در سطح اطمینان  $0/95$  برابر  $1/96$  است. و در صورتی که حجم نمونه بیشتر از  $30$  باشد، بر اساس قضیه حد مرکزی، توزیع میانگین نمونه به صورت بهنجار (نرمال) خواهد بود.

چنانچه مقدار در دسترس نباشد، می توان آن را مساوی  $0/5$  اختیار کرد. در این حالت مقدار واریانس (دانش آموزان متوسطه اول) به حداکثر خود یعنی  $0/25$  می رسد.

چنانچه تعداد نمونه ( $n$ ) بدست آمده از فرمول فوق نسبت به حجم جامعه ( $N$ ) کوچک باشد ( )، حجم نمونه محاسبه شده به عنوان نمونه نهایی مورد نظر قرار می گیرد. در غیر این صورت، تعداد نمونه را  $n_0$  نامیده و با استفاده از رابطه زیر تعداد نمونه را برای حجم نهایی تعدیل می کنیم:

در این رابطه  $n_0$  حجم نمونه است که باید تعدیل شود.

قابل ذکر است اگر از همان ابتدا بخواهیم با توجه به حجم جامعه، نمونه را برآورد کنیم، فرمول فوق به قرار زیر خواهد بود (پس از جایگذاری فرمول قبل و خلاصه نمودن فرمول): فرمول فوق، فرمول کوکران برای جامعه معین می باشد.

## تعیین حجم نمونه در این پژوهش

حال برای تعیین حجم نمونه در این پژوهش سطح اطمینان را برابر  $0/95$  در نظر می گیریم (به عبارت دیگر  $5$  درصد خطا را تحمل می کنیم). ضمناً مقدار اشتباه مجاز در برآورد نسبت یک ویژگی خاص را (مثلاً درصد (نسبت) آشنایی مدیران با وظایف خویش در رسیدن به اهداف) را برابر  $0/05$  در نظر می گیریم. ضمناً حجم جامعه کل نیز برابر با  $60$  نفر می باشد.

در این صورت :

$$n = \frac{180 (1.96)^2 (0.25)}{180 (0.05)^2 + (1.96)^2 (0.25)} = 133$$

بنابراین حجم بهینه نمونه مساوی با ۵۲ نفر خواهد بود.

### پیشینه پژوهش

زدنک و اسپوچور (۲۰۰۷) در تحقیق خود در ایالات متحده ی آمریکا نشان داد که نقش معلم در اجرای برنامه های مرتبط با توسعه ی سواد اخلاقی در دانش آموزان برای رشد حرفه ای آنان ضروری است. لذا شایسته است؛ برای رسیدن به جامعه ای مدنی و حیات طیبه که هدف اصلی آموزش و پرورش در «سند تحول بنیادین» از دانش آموزان شروع کرد. در جامعه امروزی قانون مداری عاملی در جهت رشد اخلاقی و اجتماعی است، و با توجه به جمعیت بالای دانش آموزان کشور که از نیروهای فعال محسوب می شوند، توجه به قانون و قانونمداری، باید از سطح مدارس آغاز شود؛ تا بتوان در آینده افرادی مسئول و متعهد تربیت کرد (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۲).

همچنین، رابطه هوش اجتماعی با سازگاری (که پس آیند روابط انسانی موفق می باشد) از موضوعات مورد توجه پژوهشگران بوده است. برای مثال، مطالعه ادیمو (۲۰۰۵) روی دانشجویان نیجریه ای نشان داده است هوش اجتماعی بالا با سازگاری سریع و بسنده با محیط دانشگاه و کاربرد موفق ارتباط نیرومندی دارد. در همین راستا، یافته های مطالعه پانسر و همکاران (۲۰۰۰) حاکی از این بوده است که دانشجویان موفق و سازگار از لحاظ هوش عاطفی در قیاس با دانشجویان ناموفق و ناسازگار به شکل معنی دارتری برترند. مارکوئزو همکاران (۲۰۰۶) نیز نشان دادند سازگاری و روابط اجتماعی رابطه نیرومندی با هوش هیجانی دارند. رایی و شوت (۲۰۰۳) و افوری و چارلتون (۲۰۰۲) نیز در بررسی خود نتیجه گرفتند نوجوانانی با هوش هیجانی کم بیشتر از مواد مخدر و الکل استفاده کرده و به سمت و سوی رفتارهای انزواگرایانه تمایل پیدا کرده اند (میکائیلی منیع و مددی امام زاده، ۱۳۸۷) در تحقیقی که توسط گل پرور (۱۳۸۷) انجام گرفته شواهد حاصله حاکی از آن بود که عملکرد تحصیلی دانشجویان با اخلاق تحصیلی، پایبندی به قواعد و فریبکاری دارای رابطه معنادار است. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که از بین کلیه متغیرهای پیش بین، فقط فریبکاری قادر به پیش بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان است. دانشجویانی که برای دریافت نمره قبولی به رفتارهای فریبکارانه تکیه می کنند، در مجموع از عملکرد و نتیجه تحصیلی ضعیف تری نسبت به دیگر دانشجویان برخوردار بودند. طی تحقیقی که جوکار (۱۳۸۶) انجام داد بیان کرد که اولاً هوش هیجانی نسبت به هوش عمومی، پیش بینی کننده قوی تر انعطاف پذیری کنشی است. ثانیاً انعطاف پذیری کنشی نقش واسطه ای بین انواع هوش و رضایت از زندگی دارد، ضمن اینکه این نقش در مورد هوش هیجانی قوی تر بود. نتایج مقایسه دیاگرام مسیر دختران و پسران نشان داد که در مورد دختران مسیرها و ضرایب آنها با نتایج به دست آمده از کل گروه همخوانی ندارد.

### بیان مساله:

**هدف اصلی:** بررسی رابطه بین هوش اخلاقی با سازگاری فردی اجتماعی دانش آموزان دختر سال دهم متوسطه آموزش و پرورش ناحیه دو یزد.

## اهداف فرعی

- تعیین رابطه بین هوش اخلاقی و سازگاری دانش آموزان
- تعیین میزان پیش بینی پذیری سازگاری دانش آموزان توسط هوش اخلاقی.

## فرضیات تحقیق

### فرضیه اصلی

- هوش اخلاقی و سازگاری فردی / اجتماعی دانش آموزان دختر سال نهم متوسطه آموزش و پرورش ناحیه شهرستان هامون، رابطه دارد.

### فرضیات فرعی

بین هوش اخلاقی و سازگاری دانش آموزان رابطه وجود دارد.

هوش اخلاقی و سازگاری را پیش بینی می کنند.

روش‌های آماری: تحقیق حاضر به لحاظ اینکه به توصیف وضعیت توزیع نمرات متغیرهای تحقیق می پردازد از نوع توصیفی، و از این لحاظ که رابطه بین متغیرها را بررسی می نماید، از نوع همبستگی می باشد، همچنین از نظر زمانی، از نوع مقطعی، از نظر میزان کنترل، از نوع پهنانگر و تعمیم پذیر می باشد. تحقیق حاضر با ارائه راهکارها و پیشنهاداتی، به دنبال کاربردی کردن نتایج می باشد، بنابراین، از نوع کاربردی می باشد.

### روش کار

در این تحقیق پس از جمع آوری پرسشنامه های مذکور و واردسازی داده ها در نرم افزار SPSS26، و نمره گذاری متغیرها، آزمونهای توصیفی، از جمله؛ توزیع فراوانیها، گزارشهای شاخصهای گرایش مرکزی (میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه...) و جداول تقاطعی و نمودارهای متناسب استفاده شد. در قسمت آزمون فرضیات و استنباطهای آماری نیز از آزمونهای همبستگی متناسب، آزمونهای مقایسه میانگینها، تحلیل واریانس یکطرفه و نیز رگرسیون چند متغیری همزمان استفاده شد.

## ابزار سنجش

پرسشنامه سازگاری مونت و مارکس (۲۰۰۲) تجدید نظر شده توسط سهرابی و سامانی (۲۰۱۶): سهرابی و سامانی به منظور معرفی پرسشنامه سازگاری می نویسند: یک فرد در هنگام مواجهه با مشکلات تحصیلی یا بین فردی چگونه رفتار می کند؟ عموماً، تفاوت هایی فردی برای یافتن حالت تعادل در شرایط مشکل وجود دارند. «سازگاری» به پروسه تغییر درونی یا بیرونی اطلاق میگردد که سطح تعادلی جدید بین ارگانیزم و محیط (داخلی یا خارجی) فراهم می آورد. افراد این تعادل را در سطوح مختلف و متفاوت ایجاد می کنند. ممکن است یک نفر عملکرد متفاوتی برای ایجاد این تعادل در زمینه های مختلف داشته باشد. به طور مثال یک نفر قادر به ایجاد سطحی کارآمد از سازگاری در موقعیت تحصیلی است ولی قادر به ایجاد آن در شرایط و موقعیت تعاملی بین فردی نیست.

سهرابی و سامانی برای ارزیابی توانایی ایجاد سازگاری در حوزه های مختلف، یک مقیاس چند بعدی سازگاری به وجود آوردند. این مقیاس پنج حیطه سازگاری را مورد ارزیابی می دهد:

تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی، شغلی و فردی. مقیاس شامل ۱۵ ماده است. هر سه ماده یک حیطه یا بعد از سازگاری را ارزیابی می نمایند. سهرابی و سامانی (۲۰۱۵) مقیاس را بر اساس «مونت» و «مارکس» و همکارانشان (۲۰۰۲) طراحی نمودند. «مونت» و همکارانش، یک مقیاس سازگاری برای ارزیابی سازگاری کاری و اجتماعی به وجود آوردند. مقیاس سازگاری کاری و اجتماعی از پنج ماده با یک مقیاس نقطه ای از هرگز تا بسیار شدید تشکیل می شد. پایین ترین نمره، درست همانند نشان دهنده سطح بهتری از سازگاری است. ضریب آلفا برای زیرمقیاس های ۰/۶۹ تا ۰/۸۹ بود و این شاخص برای نمره کل S، ۰/۹۰ گزارش شده است (سهرابی و سامانی، ۲۰۱۵) همچنین نمرات با مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس ضرایب همبستگی منفی نشان داد (سامانی و جوکار، ۲۰۰۷). بر طبق نظر سهرابی و سامانی (۲۰۱۵) دارای یک اعتبار واگرا و هم گرای قابل قبول برای کار های بالینی و تحقیقاتی است (حیدری، سامانی و سهرابی، ۲۰۱۶).

#### ویژگیهای روانسنجی

پرسشنامه شامل ۱۵ ماده با یک مقیاس نقطه ای از (هیچ) تا (بسیار شدید) است. هر سه ماده، یک حوزه از سازگاری را ارزیابی می کند. MAS متشکل از پنج عامل است: فردی، تحصیلی، اجتماعی (میان – فردی)، خانوادگی و شغلی. سامانی و سهرابی (۲۰۱۵)، برای بررسی ساختار عاملی سه تا شش راه حل عاملی اجرا و برای بررسی «همسانی درونی» مقیاس، از آلفای کرونباخ استفاده کردند.

جدول ۱ آزمون کرویت بارتلت برای پرسشنامه سازگاری

KMO		
۰/۹۰		
df=105	کای-۱۸۴۱/۶۷	آزمون کرویت بارتلت
$p < ۰/۰۰۰۰۱$		

اگرچه بر مبنای تحلیل عاملی اکتشافی یک ساختار پنج عاملی پیشنهاد شد ولی نتایج تحلیل عاملی حداکثر درست نمایی (یک ساختار سه عاملی را تأیید کرد. جدول مقادیر ویژه و درصد واریانس را برای این مؤلفه های استخراج شده به نمایش میگذارد. این سه عامل بیش از ۵۸ درصد واریانس کل MAS را محاسبه کردند. مجذور کای برای آزمون نیکویی برازش ۱۹۸/۲۵ بود  $P < ۰/۰۰۰۱$  و  $df=۱۰۵$

جدول ۲ مقادیر ویژه و درصد واریانس عامل های استخراج شده برای پرسشنامه سازگاری

مؤلفه	مقدار ویژه	درصد واریانس
۱	۳/۷۶	۲۵/۰۸
۲	۳/۰۱	۲۰/۱۰
۳	۱/۹۶	۱۳/۱۱

زیرمقیاس های سازگاری اجتماعی و فردی در تحلیل عاملی اولیه در یک مؤلفه مشترک گرد هم می آیند (سازگاری فردی و بین فردی). زیر مقیاس های سازگاری خانوادگی و شغلی، در تحلیل عاملی اخیر در یک مؤلفه جدید ادغام شدند که سازگاری شغلی و خانوادگی نام گرفت. همبستگی میانگین بین زیرمقیاس های MAS، ۰/۶۳ و همبستگی میانگین بین نمره کل زیرمقیاس های MAS، ۰/۸۶ بود. جدول ضرایب آلفا را برای زیرمقیاس ها و نمره کل نشان می دهد (حیدری، سامانی و سهرابی، ۲۰۱۶)

جدول ۳ ضریب آلفای کرونباخ، شاخص های توصیفی و همبستگی نمره کل- زیرمقیاس برای زیرمقیاس ها و نمره کل

زیرمقیاس ها				
نمره کلی سازگاری MAS	سازگاری تحصیلی	سازگاری فردی/بین فردی	سازگاری کاری/خانوادگی	
۰/۹۲	۰/۸۷	۰/۸۶	۰/۹۰	ضریب آلفا
---	۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۷۳	همبستگی با نمره کلی
۲/۷۹	۲/۷۸	۳/۱۲	۲/۴۶	میانگین
۱/۵۶	۱/۵۱	۱/۸۳	۱/۷۱	SD

(حیدری، سامانی و سهرابی، ۲۰۱۶)

## ۲- پرسشنامه هوش اخلاقی

پرسشنامه هوش اخلاقی: پرسشنامه هوش اخلاقی توسط لنیک، کیل و جوردن (۲۰۱۱) طراحی شد است که لینک و جوردن برای هوش اخلاقی ۱۰ شایستگی را در نظر گرفته است.

نمره گزاری: پرسشنامه سنجش هوش اخلاقی از ۴۰ سؤال در طیف پنج درجه ای (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اغلب و تمام اوقات) تشکیل شده و هر یک از مؤلفه ها را ۱۰ پرسش می سنجد. این پرسشنامه دارای ده مؤلفه به شرح زیر می باشد:

جدول ۴ مؤلفه های پرسشنامه هوش اخلاقی

	مؤلفه	سوالات	تعریف
۱	عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش ها و باورها	سوالات ۱، ۱۱، ۲۱، ۳۱	یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه که به آن باور داریم و آنچه که به آن عمل می کنیم. انجام آنچه که میدانیم درست است و عمل کردن به آن در تمام زمان ها.

۲	راستگویی	سوالات ۲,۱۲,۲۲,۳۲	انجام آنچه که میدانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان ها.
۳	استقامت و پافشاری برای حق	سوالات ۳,۱۳,۲۳,۳۳	بر اساس باورها و ارزشهای خود به خاطر حقیقت بر امور پافشاری نمودن
۴	وفای به عهد	سوالات ۴,۱۴,۲۴,۳۴	داشتن صداقت کامل به معنای این است که آنچه را نمی توانیم انجام دهیم، قول ندهیم و وفای به عهد در تمام زمان ها.
۵	مسئولیت پذیری برای تصمیمات شخصی	سوالات ۵,۱۵,۲۵,۳۵	مسئولیت اعمال و پیامدهای آن اعمال را در هر صورت پذیرفتن.
۶	اقرار برای اشتباهات و شکست ها	سوالات ۶,۱۶,۲۶,۳۶	پذیرفتن مسئولیت اشتباهات و شکست های خود.
۷	قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	سوالات ۷,۱۷,۲۷,۳۷	قبول مسئولیت و توجه به دیگران مطابق ارزشها و باورها در هر صورت و در هر زمان
۳	فعالانه علاقه مند بودن برای دیگران	سوالات ۳,۱۳,۲۳,۳۳	آنچه که برای دیگران انجام می دهیم نه براساس دستور و یا دریافت پاداشی باشد.
۱	توانایی در بخشش اشتباهات خود	سوالات ۱,۱۳,۲۳,۳۳	آگاهی از عیوب خود و توانایی بخشش خود در قبال اشتباهات.
۱۱	توانایی در بخشش اشتباهات دیگران	سوالات ۳,۳۳,۲۳,۴۰	قبول افراد همان گونه که هستند و تحمل اشتباهات آنان و بخشش آن.

پایایی پرسشنامه هوش اخلاقی پس از یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از آزمودنی های جامعه آماری با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ،  $a = 0/92$  بدست آمد. بیشترین همبستگی درونی بین دلسوزی و بخشش باهوش اخلاقی  $0/85 - r$  و کم ترین همبستگی درونی بین درستکاری با هوش اخلاقی  $0/82 - r$  می باشد .

پایایی پرسشنامه هوش اخلاقی در تحقیق مختاری پور (۱۳۸۸)  $a = 0/97$  محاسبه شده است .

آراسته در سال ۱۳۹۲ پایایی پرسشنامه را  $0/86$  را گزارش کرد. اند در ایران توسط آراسته، عزیزی، شمامی، جعفری راد و محمدی جوزانی در سال ۱۳۹۰ کار هنجاریایی آن انجام شده است.

. بحث و نتیجه گیری

جدول ۵ معرفی نوع و نقش متغیرهای تحقیق

متغیر	نقش متغیر	نوع متغیر (سطح سنجش)
-------	-----------	----------------------

هوش اخلاقی		متغیر مستقل (پیش بین)	کمی
سازگاری اجتماعی		متغیر وابسته	کمی

جدول ۶ گزار توصیفی شاخصهای گرایش مرکزی متغیر سازگاری فردی/ اجتماعی به همراه زیر مقیاسهای آن

متغیر	دامنه تغییرات	کمینه <sup>۲</sup>	بیشینه <sup>۳</sup>	جمع نمرات <sup>۴</sup>	میانگین <sup>۵</sup>	انحراف معیار <sup>۶</sup>
سازگاری فردی	۱۰,۰۰	۵,۰۰	۱۵,۰۰	۲۶۵۸,۰۰۰	۱۱,۱۶۸۱	۱۰۹۹۰
سازگاری اجتماعی	۱۱,۰۰	۳,۰۰	۱۴,۰۰	۲۶۸۸,۰۰۰	۱۱,۲۹۴	۱۱۸۱۵
سازگاری آموزشی	۱۰,۰۰	۵,۰۰	۱۵,۰۰	۲۱۶۹,۰۰۰	۹,۱۱۳۴	۱۳۶۰۴
سازگاری تحصیلی	۹,۰۰	۵,۰۰	۱۴,۰۰	۲۱۹۹,۰۰۰	۹,۲۳۹۵	۱۱۴۹۵
سازگاری خانوادگی	۱۱,۰۰	۴,۰۰	۱۵,۰۰	۲۱۳۲,۰۰۰	۸,۹۲۰۲	۱۱۸۶۱
سازگاری	۳۲,۰۰	۳۰,۰۰	۶۲,۰۰	۱۱۸۳۷,۰۰۰	۴۹,۷۳۵۳	۲۶۶۷۷

جدول ۶. گزارش توصیفی شاخصهای گرایش مرکزی متغیر سازگاری فردی/ اجتماعی را به همراه زیر مقیاسهای آن نشان می دهد. همانطور که در جدول فوق ملاحظه می گردد؛ دانش آموزان مورد مطالعه از سازگاری اجتماعی (۱۱,۱۶۸۱) و فردی (۱۱,۲۹۴) در وضعیت بهتری نسبت به سازگاری آموزشی (۹,۱۱۳۴) و تحصیلی (۹,۲۳۹۵) دارند و کمترین سازگاری آنان در سازگاری خانوادگی) مشاهده می شود. با اینحال در مجموع سازگاری دانش آموزان نسبت به نقطه برش ۷,۵ برای زیر مقیاسها و ۳۷,۵ برای کل مقیاس(، بالاتر است که نشان دهنده سازگاری ۴۹,۷۳۵۳ نسبتاً بالای آنان می باشد.

جدول ۷ گزارش توصیفی شاخصهای گرایش مرکزی متغیر هوش اخلاقی به همراه مؤلفه های آن

متغیر	دامنه تغییرات	کمینه	بیشینه	جمع نمرات	میانگین	انحراف معیار
عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش	۱۹,۰۰	۱۴,۰۰	۳۳,۰۰	۵۸۳۱,۰۰	۲۴,۵۰۰	۱۸۳۱۲
راستگویی	۱۹,۰۰	۱۵,۰۰	۳۴,۰۰	۵۲۲۲,۰۰	۲۱,۹۴۱۲	۲۲۲۶۹
استقامت و پافشاری برای حق	۲۲,۰۰	۱۳,۰۰	۳۵,۰۰	۵۱۰۱,۰۰	۲۱,۴۳۲۸	۲۵۸۳۴
وفای به عهد	۴۷,۰۰	۵۶۴,۰۰	۱۰۱,۰۰	۱۶۱۵۴,۰۰	۶۷,۸۷۳۹	۵۲۵۷۰

مسئولیت پذیری برای تصمیمات	۱۰,۰۰	۹,۰۰	۱۹,۰۰	۳۴۱۳,۰۰	۱۴,۳۴۰۳	۱۳۲۰۴
اقرار برای اشتباهات و شکست ها	۹,۰۰	۹,۰۰	۱۸,۰۰	۳۲۹۳,۰۰	۱۳,۸۳۶۱	۱۱۰۴۹
قبول مسئولیت برای خدمت به	۱۲,۰۰	۶,۰۰	۱۸,۰۰	۲۸۷۷,۰۰	۱۲,۰۸۸۲	۱۳,۸۷۰
فعالانه علاقه مند بودن برای دیگران	۱۲,۰۰	۶,۰۰	۱۸,۰۰	۲۸۹۲,۰۰	۱۲,۱۵۱۳	۱۶,۰۹۱
توانایی در بخشش اشتباهات خود	۱۱,۰۰	۸,۰۰	۱۹,۰۰	۳۳۴۵,۰۰	۱۴,۰۵۴۶	۱۳۲۷۷
توانایی در بخشش اشتباهات	۱۰,۰۰	۸,۰۰	۱۸,۰۰	۳۱۴۱,۰۰	۱۳,۱۹۷۵	۱۰۷۳۲
هوش اخلاقی	۴۳,۰۰	۱۱۶,۰۰	۱۵۹,۰۰	۳۲۰۶۲,۰۰	۱۳۴,۷۱۴۳	۴۷۸۲۴

جدول ۸، گزارش توصیفی شاخصهای گرایش مرکزی متغیر هوش اخلاقی را به همراه مؤلفه های آن نشان می دهد. همانطور که در جدول فوق ملاحظه می گردد؛ عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش ها ۷۵۲۱.۱۴ راستگویی ۱۴,۶۳۱۱ مسئولیت پذیری برای تصمیمات ۱۴,۳۴۰۳ و توانایی در بخشش اشتباهات خود ۱۴,۰۵۴۴۶ وضعیت بهتری نسبت به؛ قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران ۱۲,۰۸۸۲، فعالانه علاقه مند بودن برای دیگران ۱۲,۱۵۱۳ و استقامت و پافشاری برای حق ۱۲,۳۹۹۲ دارند. در مجموع می توان نتیجه گرفت که دانش آموزان مورد مطالعه از نظر هوش اخلاقی ۱۳۴,۷۳۴۳ و زیر مقیاسهای آن وضعیت (با توجه به اینکه نقطه برش برای زیرمقیاسها برابر ۱۰ و برای کل مقیاس برابر ۱۰۰ می باشد، مطلوبی دارند.

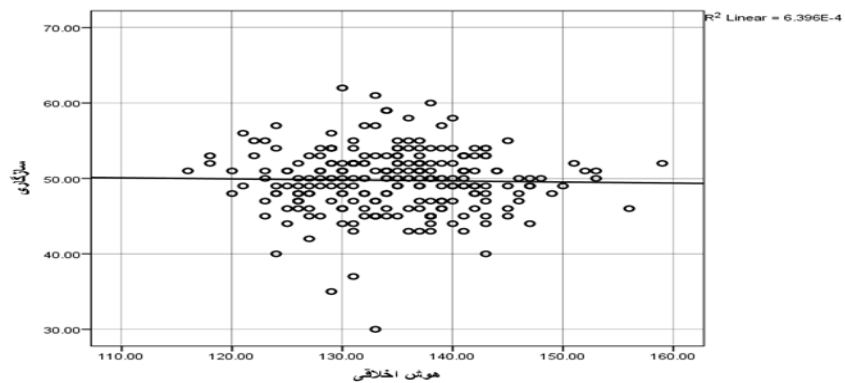
بین هوش اخلاقی و سازگاری دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۸ نتیجه آزمون همبستگی پیرسون بین هوش اخلاقی و سازگاری

متغیر	سازگاری		
	ضریب پیرسون	سطح معناداری	تعداد
هوش اخلاقی	۰.۵۰۰ - **	۰,۰۰۰۰	۱۳۳
معناداری در سطح ۰/۰۱ *** اطمینان ۹۹٪			

جدول ۸، نتیجه آزمون همبستگی پیرسون را بین هوش اخلاقی و سازگاری نشان می دهد. براساس اطلاعات جدول فوق؛ رابطه بین هوش اخلاقی با سازگاری (  $s = -0.500$  ,  $r = 0.00$  ;  $p > 0.05$  ) معنادار نیست .

بنابراین فرضیه تحقیق رد می شود.



نمودار ۱ نمودار رابطه بین هوش اخلاقی و سازگاری

فرضیه، هوش اخلاقی، سازگاری را پیش بینی می کنند.

جدول ۹ نتیجه تحلیل رگرسیون همزمان بین هو اجتماعی و هو اخلاقی با سازگاری

Model Summary					
مدل	R	<sup>R</sup> مجبور	تعدیل شده <sup>R</sup> مجبور	خطای معیار	
	.۵۰۱	.۲۵۱	.۲۴۵	۴,۸۱۲۶۰	
ANOVA					
مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
رگرسیون	۱۸۲۴,۴۱۴	۲	۹۱۲,۲۰۷	۳۹,۳۸۵	.۰۰۰
باقیمانده	۵۴۴۲,۸۶۴	۱۳۱	۲۳,۱۶۱		
کل	۷۲۶۷,۲۷۷	۱۳۳			
Coefficients					
متغیر	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد	T	Sig
	$\alpha$	B	خطای معیار		
هوش اخلاقی	۱۳۱,۳۴۲	- .۳۸۰	.۰۴۳	- ۸,۸۱۸	.۵۲۰

جدول ۹، نتیجه تحلیل رگرسیون همزمان را بین هوش اجتماعی و هوش اخلاقی با سازگاری نشان می دهد. براساس اطلاعات جدول فوق؛ هوش اخلاقی در مجموع ۱۵ درصد از تغییرات سازگاری را تبیین می نمایند که سهم ( بیشتر از هوش اخلاقی ۱۰ درصد می باشد.

## بحث و نتیجه گیری

نتایج توصیفی نشان داد؛ دانش آموزان مورد مطالعه از سازگاری اجتماعی (۱۱،۱۶۳۱) و فردی (۱۱،۲۱۴۱) در وضعیت بهتری نسبت به سازگاری آموزشی (۱۰،۱۱۳۴) و تحصیلی (۱۰،۲۳۱۵) دارند و کمترین سازگاری آنان در سازگاری خانوادگی (۳،۱۲۱۲) مشاهده شد. با اینحال در مجموع سازگاری دانش آموزان نسبت به نقطه برش (۵،۷) برای زیر مقیاسها و ۵،۳۷ برای کل مقیاس) بالاتر بود که نشان دهنده سازگاری (۴۹،۷۳۵۳) نسبتاً بالای آنان می باشد.

در متغیر هوش اخلاقی، عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش ها (۱۴،۷۵۲۱)، راستگویی (۱۴،۶۳۱۱)، مسولیت پذیری برای تصمیمات (۱۴،۳۴۱۳) و توانایی در بخشش اشتباهات خود (۱۴،۱۵۴۶) وضعیت بهتری نسبت به؛ قبول مسولیت برای خدمت به دیگران (۱۲،۱۳۳۲)، فعالانه علاقه مند بودن برای دیگران (۱۲،۱۵۱۳) و استقامت و پافشاری برای حق (۱۲،۳۱۱۲) دارند. در مجموع می توان نتیجه گرفت که دانش آموزان مورد مطالعه از نظر هوش اخلاقی (۱۳۴،۷۱۴۳) و زیر مقیاسهای آن وضعیت (با توجه به اینکه نقطه برش برای زیرمقیاسها برابر (۱۰) و برای کل مقیاس برابر (۱۰۰) می باشد)، مطلوبی دارند.

بین هوش اخلاقی و سازگاری دانش آموزان رابطه وجود دارد.

نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان داد؛ رابطه بین هوش اخلاقی با سازگاری معنادار نیست. بنابراین فرضیه تحقیق رد شد.

تحقیقاتی که به بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و سازگاری دانش آموزان پایه دهم پرداخته باشد بسیار ناچیز است اما در برخی از تحقیقات که به هوش، ارزشها و یا رشد فضائل معنوی و اخلاقی با عملکرد اجتماعی یا سازگاری افراد به عنوان متغیرهای جانبی پرداخته اند (برای مثال مشرقی کاویجانی و همکاران، ۱۳۹۴) نیز، نشان دهنده رابطه مثبت بین این دو متغیر است. اینکه چرا در اینجه هوش اخلاقی به طور مستقیم با سازگاری رابطه ندارد

باید در پژوهش های مکمل بعدی علت این نتیجه را یا در نداشتن باورهای اثرگذار یا در داشتن باورهای التقاطی و کم اثر شده جستجو کرد که در هر دو حالت تهدید بسیار خطرناکی برای جامعه به خصوص قشر نوجوان دانشگاهی به شمار می آید. مسأله ای که در تعارض نتیجه این پژوهش با پژوهش های انجام شده به نظر می رسد این است که یا باور های اخلاقی به خوبی در افراد مورد پژوهش القا نشده است و یا اینکه باورهایی به صورت غیراصیل و یا به صورت خرافی جایگزین باورهای اخلاقی واقعی که ایجاد کننده روابط مثبت و سازگاری اجتماعی است شده است.

نتیجه به دست آمده نتایج بسیاری از تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط، همسو می باشد. برای نمونه، موسوی، رئیسی و اصغرنژاد فرید (۱۳۹۱)؛ محمدیان و شرفی راد (۱۳۹۰)؛ کرمی و زکی یی (۱۳۹۰)؛ کاپلس (۲۰۰۲)؛ فورگاس و همکاران (۲۰۰۰)؛ صفوی و لطفی (۲۰۰۸)؛ استرلا و جوزفینا (۲۰۰۹)؛ پنکراتوا (۲۰۱۰)؛ اینگلبرگ (۲۰۰۴)، کانگلسی و پیترسون (۲۰۰۰)؛ رضویان شاد (۱۳۸۴)؛ الیوت و همکاران (۲۰۱۰)؛ کاپلس (۲۰۰۵)؛ سیورز (۲۰۰۸)؛ سخندان (۱۳۸۷)؛ بشارت (۱۳۸۴)؛ فرقدانی (۱۳۹۳)؛ و نادری (۱۳۸۸) نشان دهنده رابطه مثبت بین هوش اجتماعی و سازگاری اجتماعی و فردی است. نتیجه تحقیق با نتایج تحقیقات راجرز، کوالتر، فلیس و گاردنر (۲۰۰۶) و لویز، براکت، نزل، شاتز، سلی و سالووی (۲۰۰۴) که بین هوش اجتماعی و سازگاری اجتماعی رابطه ضعیف و یا عدم رابطه بین دو متغیر را گزارش نموده اند، همسویی نشان نمی دهد.

### پیشنهادهای کاربردی

به نظر می رسد که در بین دانش آموزان و اولیای مدارس، اهمیت کمی به تحقیقات میدانی داده می شود و همچنین نسبت به روند اجرا و نیاز به مشارکت جوامع آماری مربوط مانند دانش آموزان در جمع آوری داده های میدانی آگاهیهای لازم وجود ندارد، از اینرو به مسئولین و اجرا کنندگان آموزشهای ضمن خدمت معلمان و آموزشهای فوق برنامه دانش آموزان، به ضرورت تحقیقات علمی، روند اجرای آن و لزوم مشارکت در آنها نیز پرداخته شود.

-با توجه به نقش تعیین کننده هوش اخلاقی و هوش اجتماعی در میزان پرخاشگری و سازگاری اجتماعی دانش آموزان، لازم است تا در کنار آموزشهای مدرسه ای متداول دروس که عموماً بر مبنای هوش شناختی پایه گذاری شده اند، برنامه ها، کتب، جزوات و کارگاههای بری تقویت هوش اخلاقی و هوش اجتماعی دانش آموزان نیز وجود داشته باشد.

۱. بشارت، م.ع. (۱۳۸۶) بررسی ویژگی های شناختی پرسشنامه سبکهای دفاعی، گزارش پژوهشی دانشگاه تهران
۲. بشارت، م.ع. (۱۳۹۲) بررسی نقش واسطه ای خود تنظیم گری در رابطه بین سبک های دلبستگی و ناگویی های (اتکینسون، ریتا ال و اتکینسون، ریچارد سی و اسمیت، ادوارد ای و بم، واریل جی و هرکسما، سوزان نولن (۱۹۸۳)، زمینه روان شناسی (ترجمه محمد نقی براهنی و بهروز بیرشک و مهرداد بیک و رضا زمانی و سعید شاملو (۱۳۸۰)، تهران: رشد.
۳. احمدی، یعقوب؛ قاسمی، وحید (۱۳۹۱) اثر همدلی فرهنگی، ابتکار اجتماعی و قرم گرایی بر هوش فرهنگی، راهبرد فرهنگ، شماره بیستم، زمستان.
۴. احیاءکننده، منیژه؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ سودانی، منصور (۱۳۸۸) بررسی رابطه هوش هیجانی و سلامت روانی دانشجویان دختر رشته مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان، دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۴۱، پاییز، صص ۱۶-۱.
۵. استونر، جیمز، ادوارد، فریمن (۱۳۷۵)، مدیریت، سید محمد اعرابی و علی پارسایان، تهران، موسسه ی مطالعات و پژوهش های بازرگانی، جلد سوم، چاپ نخست.
۶. اسگندری، غلامرضا، ... و دیگران (۱۳۹۸)، تاثیر هوش اخلاقی مدیران بر مهارت ها ارتباطی آنان در سازمان تامین اجتماعی، فراسوی مدیریت، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان، صص ۱۲۳-۱۱۵.
۷. اسلامی نسب، علی (۱۳۷۳)، روان شناسی سازگاری، تهران انتشارات بنیاد.
۸. اسلوین، ج (۱۳۸۰) اینترنت و جامعه، مترجم: علی گیلوردی و علی رادبارة، تهران: نشر کتابدار، چاپ اول.
۹. امیرپور، برزو (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین هوش هیجانی، شادکامی و عزت نفس اجتماعی در دانشجویان. طرح پژوهشی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور کرمانشاه.
۱۰. ایران نژاد پاریزی، مهدی (۱۳۸۵) اصول و مبانی مدیریت (در جهان معاصر)، تهران، انتشارات مدیران، چاپ نخست.
۱۱. آذین، احمد؛ موسوی، محمود (۱۳۹۰)، بررسی نقش عوامل آموزشگاهی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه ی شهرستان فریدونشهر (سال، ۱۳۸۸)، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره ی پیاپی ۴۱، شماره اول، بهار، صص ۱۳۳-۲۱۱.
۱۲. آقا یوسفی، علیرضا؛ شریف، نسیم (۱۳۹۰). بررسی رابطه حس انسجام و هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه آزاد تهران، مطالعات روان شناختی، دوره ی هفتم، شماره ۱۳، صص ۷۳-۵۱.
۱۳. آنگ، تون تت (۱۳۸۶). آزمون هوش اجتماعی (ترجمه محمد مجدیان). جزوه، تهران، شرکت آزمون یار پویا.
۱۴. آهنگیان، محمد رضا و منیدری، رمضان علی (۱۳۸۳) رابطه ی مهارت های ارتباطی مدیران با سلامت سازمانی، پژوهش نامه ی علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره ی دوازدهم.
۱۵. آهنگیان، محمدرضا؛ امیری، رعنا، بخشی، محمود (۱۳۹۱)، بررسی همبستگی هوش فرهنگی با تعامل اجتماعی در پرستاران، مدیریت ارتقای سلامت، دوره ی ۱، شماره ۲، بهار، صص ۴۴-۵۳.
۱۶. باباپور، خیرالدین، ج و دیگران (۱۳۸۸). بررسی نقش عوامل جمعیت شناختی در سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، شماره ۱۶؛ صص ۱۱-۱.
۱۷. بابایی، محمد علی و مومنی، مونا (۱۳۸۴)، تاثیر هوش عاطفی بر اثربخشی مدیران، ماهنامه ی تدبیر، شماره ی ۱۶۶.

۱۸. برادبری، تراویس؛ گریوز، جین (۱۳۸۷) EQ چیست و چرا مهم تر از IQ است، ترجمه هادی ابراهیمی، چاپ اول، تهران: نشر نو اندیش.
۱۹. برغمندی، مهدی (۱۳۸۷) تعیین نقش واسطه ای هوش هیجانی در تأثیر استرس بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهرستان سبزوار. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. برنجدک، معصومه؛ حمیدی، منصور علی؛ (۱۳۸۷)، مهارت آموزی در زمینه عاطفی/ اجتماعی در راستای بهبود کارکردهای شناختی: طراحی و آزمایش یک دوره آموزشی برای افزایش هوش عاطفی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۲، صص ۵۲-۲۱.
۲۱. برونشوزن، م.ن (۱۳۸۶)، محیط اجتماعی و هوش، مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱.
۲۲. بشارت، محمد علی (۱۳۸۶) بررسی تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی، مطالعات روان شناختی، دوره ۱، شماره ۲، بهار و تابستان.
۲۳. بشیر، حسن، افراسیابی محمدصادق (۱۳۸۴)، شبکه های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان:
۲۴. مطالعه موردی بزرگترین جامعه مجازی ایرانیان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره: ۱، بهار ۱۳۸۳، بهرامپور، شعبانعلی («انسجام اجتماعی در جامعه اطلاعاتی: نیم نگاهی به وضعیت ایران». سمینار ایران و جامعه اطلاعاتی. ۲۵. بهرامی، فاطمه) ۱۳۳۱، بررسی ابعاد عاطفی ارتباطات خانوادگی و نقش آن بر سلامت روان. ویژه نامه ی خانواده و مشارکت، انجمن اولیا و مربیان.
۲۵. پارسا، ن ۱۳۸۳، هوش هیجانی، تهران: رشد، چاپ سوم.